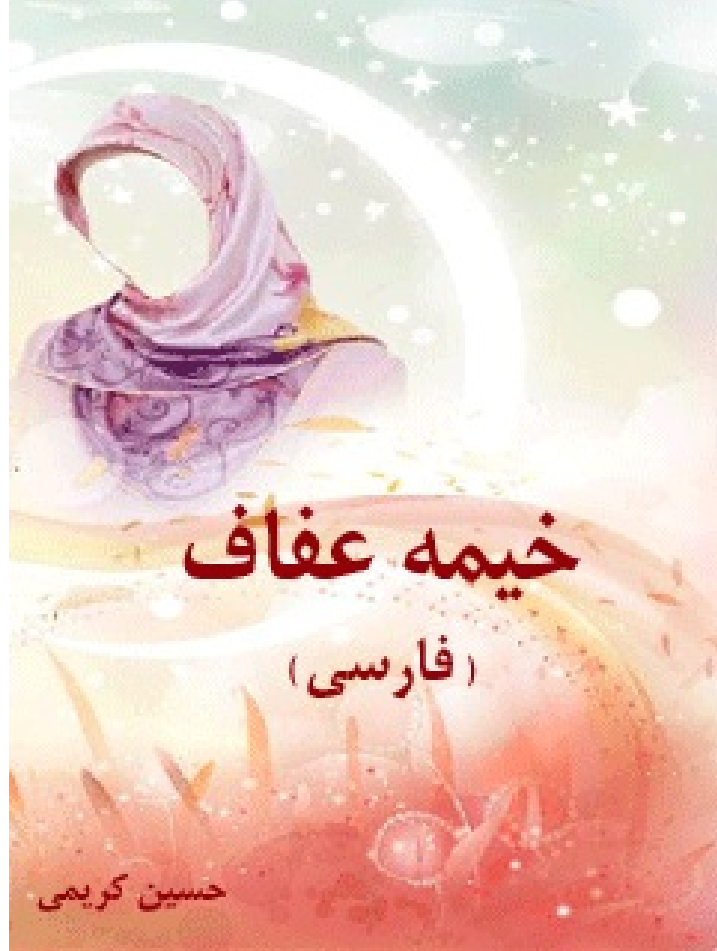


سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خیمه عفاف

نویسنده:

حسین کریمی قمی

ناشر چاپی:

حسین کریمی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	خیمه عفاف
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۷	بخش اول : کلیات
۱۲	بخش دوم : بعد تاریخی متعه
۱۴	بخش سوم : انظار فقیهان
۱۶	بخش چهارم : متعه در قرآن
۱۸	بخش پنجم : بحث روایی
۲۰	بخش ششم : متعه در محاسبات عقلی
۲۰	بخش هفتم : استنتاجات فقهی
۲۴	بخش هشتم : آثار تربیتی متعه
۲۵	بخش نهم : دعوت به انصاف و پیدا کردن راه اتحاد
۲۶	بخش دهم : چند فایده مهم

خیمه عفاف

مشخصات کتاب

سرشناسه: کریمی حسین - ۱۳۱۰ عنوان و نام پدیدآور: خیمه عفاف بحث‌های تحلیلی درباره ازدواج موقت بضمیمه آئین پاکدامنی در اسلام مولف حسین کریمی مشخصات نشر: [قم: حسین کریمی ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری: و، ص ۱۵۳ شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۳۶۱-۳۰۰۰۶۳۰۰۰ ریال یادداشت: کتابنامه ص [۱۴۸] - ۱۵۳؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: متعه موضوع: عفت - جنبه‌های مذهبی رده بندی کنگره: BP۱۸۹/۴ کخ۴ ۹ ۱۳۷۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶ شماره کتابشناسی ملی: م۷۸-۶۳۱۰

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم در تابستان ۱۳۷۷ شمسی یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه قم که نگارنده استاد راهنمای ایشان بودم، از این جانب درخواست نمود که آرای فقیهان عامه را در خصوص حکم "متعه" از منابع معتبر استخراج کنم. این پیشنهاد و نیز انگیزه‌های دیگری که ذیلاً مذکور می‌گردد، مرا بر آن داشت تا به طور اساسی، همه جنبه‌های متعه نساء (ازدواج موقت) را در اثری که اینک پیش روی شماست بکاوم. گرچه علمای امامیه علاوه بر بحث‌های ضمنی، کتاب‌های مستقل در این موضوع تألیف نموده‌اند (۱)، ولی تاکنون به متن جامعی که تمام ابعاد آن را بررسی کند بر خورد نکرده‌ام، لذا بر آن شدم کتابی جامع الاطراف، با ویژگی‌های زیر، تدوین و به ارباب بینش تقدیم کنم: الف - کتاب حاضر مشتمل برده فصل (بخش) است به این شرح: بخش اول: کلیات، که در آن، بیست امر تاریخی، فقهی، اصولی و لغوی، در ۱. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در مجلد نوزدهم - کتاب "الذریعه"، ۳۹ کتاب مستقل را به تفصیل نام برده. گرچه اکثر آنها به مرور زمان نابود و یا کم یاب گردیده است. (۶) همین موضوع و موضوعات دیگر است. بخش دوم: تاریخ متعه از زمان جاهلیت تا عصر حاضر. بخش سوم: انتظار فقیهان از صدر اسلام تا این زمان. بخش چهارم: متعه در قرآن مجید و بررسی انتظار مفسران. بخش پنجم: متعه در اخبار و آثار شیعه و سنی بخش ششم: استنتاجات فقهی نسبت به موضوع کتاب. بخش هفتم: بررسی گفتار مخالفان و نقد ادله ایشان. بخش هشتم: آثار تربیتی و کاربرد اجتماعی متعه در رفع مشکلات جنسی و اجتماعی. بخش نهم: دعوت مخالفان به انصاف و اتحاد. بخش دهم: پاسخ به بعضی شبهات و بیان چند فایده مهم. ب - مشهور در استناد به قرآن، فقط به یک آیه استدلال کرده‌اند آن هم از راه حقیقت شرعیه. در این کتاب بیان شده که حقیقت شرعیه ثابت نیست و استدلال به قرآن هم اختصاص به یک آیه ندارد. ج - مشهور گفته‌اند: مقتضای اصل عملی، بقای حکم متعه و عدم نسخ آن است. در این کتاب با بیان علمی این مطلب را مخدوش ساخته‌ام. د - حجیت روایات ائمه (علیهم السلام) را نسبت به اهل سنت بر مبنای خود آنان اثبات کرده‌ام. ه - ضمن اثبات این که، عقل به عنوان یک منبع فقهی در کلام سید مرتضی و ابن ادریس مطرح بوده دلیل عقلی آنان را خدشه دار کرده و آزادی بحث را تا این حد گسترش داده‌ام. (۷) و - سعی شده هیچ واقعیتی مکتوم نماند. بنابر این اشتباهات موافق و مخالف را در مسیر بحث بیان کرده‌ام. ز - توجیهاتی را که اندیشمندان برای ممنوع ساختن متعه توسط خلیفه دوم ذکر کرده‌اند مورد بررسی قرار داده و به تحقیق و نقد آنها پرداخته‌ام. ح - بحث مصلحت اندیشی حاکمان را برای تعطیل و یا تغییر احکام شرعی (در غیر عناوین ثانوی و موارد تراحم اهم با مهم) مطرح و مورد نقد و بررسی قرار داده‌ام. ط - سعی شده در تمام مراحل، عفت قلم رعایت شود و با کج اندیشان و بدگویان، تنها از راه علمی بر خورد گردد. با این ویژگی‌ها امید است که این اثر، صحیفه‌ای نافع باشد. در هر حال اگر مورد قبول نیک اندیشان و دانشوران قرار گیرد، تفضلی الهی است که از عنایات حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) و تعلیم مشایخ بزرگوار، نصیب گردیده است. از تمامی خوانندگان نکته سنج، انتظار دارم نگارنده را در رفع نقائص، حکیمانه یاری فرمایند. (۱) قم - حوزه علمیه

- حسین کریمی قمی شهریور هزار و سیصد و هفتاد و هفت ۱. در انتخاب نام کتاب، بعد از تأمل بسیار به ذهنم رسید عنوان " : خیمه عفاف " را اختیار کنم که حسن آن بر ارباب ذوق و ادب آشکار است.

بخش اول : کلیات

(۱۱) ۱ - بدیهی بودن حکم متعه نزد شیعه یکی از مشخصات مذهب شیعه جعفری بقای حکم به جواز ازدواج موقت (متعه) است، به طوری که از ضروریات مذهب شناخته می شود و هیچ یک از اصحاب امامیه هم در این امر اختلاف نکرده اند. روایات متواتره از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) درباره استمرار اباحه و یا استحباب آن در جوامع روائی چون: وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل آمده است. بنابر این طرح بحث مانند دیگر مباحث ضروری، صرفاً برای پاسخ به شبهات و دفع اعتراض های مخالفین است. از آن جا که مباحث این کتاب برای اسکات خصم و دفع شبهات او است، لذا در تشکیل ادله، از مقدماتی که مورد قبول مخالفان است استفاده می شود. هر چند آن مقدمه نزد ما تمام نباشد، به اصطلاح اهل منطق: در برخی موارد شیوه بحث، جدلی است، نه برهانی. (۱۲) ۲ - وضع فقه و اجتهاد در سده اول هجری بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) صحابه آگاه و خبره، در مسائل فقهی بر اساس کتاب و سنت نبوی به خود اجازه فتوا و بیان احکام الهی را می دادند و توده مردم به قول ایشان اعتماد داشتند. یعقوبی فقیهان مورد اعتماد را در زمان ابو بکر به این شرح معرفی کرده است: ۱ - علی بن ابی طالب (علیه السلام) ۲ - عمر بن خطاب ۳ - معاذ بن جبل ۴ - ابی بن کعب ۵ - زید بن ثابت ۶ - عبد الله بن مسعود. (۱) تعداد فقیهان بعد از زمان ابو بکر افزایش یافته و به گفته یعقوبی در زمان عثمان افراد ذیل به آمار آنان اضافه شده است: ۱ - ابو موسی اشعری ۲ - عبد الله بن عباس ۳ - ابو درداء ۴ - ابو سعید خدری ۵ - عبد الله بن عمر ۶ - سلمان بن ربیع باهلی (۲) ۱. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۲۸. ۲. همان، ص ۱۶۶. (۱۳) یعقوبی آمار فقیهان معروف زمان معاویه را به ۲۷ عدد رسانده است. (۱) بنابر نقل احتجاج، امام حسین (علیه السلام) دو سال به پایان عمر معاویه هزار صحابی و تابعی را در منی گرد آورد و آنان را نسبت به اوضاع آشفته هشدار داد و فرمان یک نهضت فرهنگی - انقلابی را توسط آنان صادر فرمود. از لحن منشور امام استفاده می شود که اکثر آنان اهل فقه و در امر دین خبره بوده اند. (۲) یعقوبی فقیهان زمان امام باقر (علیه السلام) را به شرح ذیل اعلام داشته است: - سالم بن عبد الله بن عمر - میثم بن محمد - محمد بن سالم بن شهاب زهری - محمد بن کعب قرظی - نافع، مولی عبد الله بن عمر - عاصم بن عمر بن قتاده - محمد بن ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم - طاووس یمانی - ربیع بن ابی عبد الرحمن - عطاء بن ابی رباح - عمرو بن دینار - عبد الله بن ابی نجیح - حبیب بن ابی ثابت ۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸. ۲. این گزارش بیانگر کثرت فقیهان در زمان امام حسین (علیه السلام) است. (۱۴) - عبد الملک بن میسر - ابو اسحاق - عبید الله بن عقبه بن مسعود - حکم بن عیینه - حماد بن ابی سلیمان - زیاد بن کلب - طلحه بن مصرف - نعیم بن ابی هند - اشعث بن ابی شعثاء - سعید بن اسبوع - ابو حازم اعرج - قتاده بن دعامه - بکر بن عبد الله مزنی - ایوب - یزید بن عبد الله - عبد الرحمن بن جبیر - مکحول دمشقی - راشد بن سعد - میمون بن مهران - ابو قبیل (۱۵) - یزید بن اصم. (۱) فقهای سبعه مورخان از میان فقهای تابعی مدینه هفت تن را مشهورتر از دیگران دانسته اند و از آنها به فقهای سبعه نام می برند. - عروه بن زبیر بن عوام (متوفای ۹۴ یا ۹۲ ق) - سعید بن مسیب (متوفای ۷۴ یا ۹۹ ق) - ابو بکر بن عبد الرحمان (متوفای ۹۴ یا ۹۹ ق) - سلیمان بن یسار (متوفای سال ۹۴ یا ۱۰۰ یا ۱۰۷ ق) - عبید الله بن عقبه (متوفای ۹۸ یا ۹۹ ق) - خارجه بن زید - متوفای سال ۹۹ - قاسم بن محمد بن ابی بکر (۲) (متوفای ۱۰۱ ق) آنچه تا به حال مرقوم شد مربوط به سده اول هجری است در سده دوم و بعد از آن فقیهان بسیاری به وجود آمدند که معروف ترین آنان از میان فقیهان اهل سنت عبارتند از: ۱ - ابو حنیفه (متوفای ۱۵۰ ق) ۲ - مالک بن انس (متوفای ۱۷۹ ق) ۳ - محمد بن ادریس شافعی (متوفای ۲۰۴ ق) ۴ - احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ق) ۱. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۷۲. ۲. محمود شهابی، ادوار فقه، ج ۳، ص ۳۲۸. (۱۶) ۵ - داود بن علی بن خلف اصفهانی

معروف به ظاهری (متوفای ۲۹۰ ق) ۶ - محمد بن جریر بن یزید طبری متوفای ۳۱۰ (۱) ق فقیهان هر کدام در روش استنباط، مستقل و آزاد عمل کرده تا این که از نیمه قرن چهارم زمزمه حصر فقهت به مذاهب خاص به انگیزه های مختلف پدید آمد (۲) و سر انجام در قرن هفتم هجری بدون هیچ دلیل عقلی و نقلی، روش فقهی اهل سنت به مذاهب اربعه حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی منحصر شد و سایر مذاهب یا خود به خود منقرض شدند و یا به قدرت سلاطین از بروز آن جلوگیری بعمل آمد. بحث در علل این حصر بسیار است (۳). نتیجه آن که: ۱ - ممنوعیت متعه در مذاهب اربعه ربطی به فقهای پیشین ندارد. ۲ - چون اجماع بعد از اختلاف مفید اثر نیست، دست فقیهان فعلی باز است. گذشته از این که حصر اجتهاد به شکل مذکور فاقد هر گونه توجیه علمی است. ۳ - پیرامون حقیقت شرعیه هر گاه شرع مقدس لفظی را برای معنای خاصی انتخاب کند از این انتخاب به حقیقت شرعیه تعبیر می شود، در این فرض هر گاه این لفظ در لغت و عرف عام ۱. آمار فقهای امامیه در زمان امام باقر و صادق (علیهما السلام) خارج از حد احصا و شمارش است، حسن بن علی بن زیاد و شاء گفته تنها در مسجد کوفه ۹۰۰ دانشمند امامی را درک کردم که همه می گفتند حدیثی جعفر بن محمد. ۲. محقق انصاری در کتاب رسائل (به نقل از کتاب های تاریخ) نگاشته است: اهل کوفه پیرو ابو حنیفه و سفیان ثوری و یک شخص دیگر بوده اند و اهل مکه پیرو ابن ابی جریح و اهل مدینه تابع مالک و اهل بصره پیرو عمان و سواده بوده اند و اهل شام از اوزاعی و ولید و اهل مصر از لیث بن سعید و اهل خراسان از عبد الله ابن مبارک تقلید می کرده اند. (رسائل، چاپ رحلی یک جلدی بحث تعادل و تراجیح، ص ۴۶۸) ۳. ر. ک: شیخ آغا بزرگ تهرانی، تاریخ حصر اجتهاد، و محمود شهابی، ادوار فقه. (۱۷) معنای دیگری داشته باشد استعمال (بدون قرینه) شارع، محمول بر معنای شرعی است نه معنای عرفی و لغوی، زیرا بنای عقلا - در چنین مواردی پیروی از تأسیس متکلم است نه برگشت به عرف دیگر، این امر در علم اصول ثابت و برهانی است. نتیجه آن که: هر گاه برای لفظ متعه معنای شرعی ثابت شد، استعمالات قرآن و سنت را باید حمل بر آن کرد نه بر معنای لغوی. ۴ - نسخ قرآن به قرآن شک نیست که نسخ آیاتی از قرآن به آیات دیگر امری ممکن است، ولی این امر فرع بر تنافی و تباین آیه ناسخ و منسوخ است. در این صورت آیه متأخر می تواند ناسخ آیه متقدم باشد و هر گاه مفاد آیه متأخر نسبت به آیه متقدم خاص باشد دلیل خاص قرینه بر دلیل عام می شود و آن را تخصیص می زند و در صورتی که دلیل عام متأخر باشد بعضی قائل به منسوخ بودن دلیل خاص شده اند ولی اکثر، حکم به تخصیص کرده اند در هر حال در این که دلیل ناسخ باید متأخر باشد شکی نیست. نتیجه این مقدمه در بحث تفسیری روشن می شود، زیرا بعضی از کج اندیشان آیات مکی را که مقدم می باشند ناسخ آیه مدنی دانسته اند و خیال کرده اند آیات مکی آیه متعه را - که مدنی است - نسخ کرده است. ۵ - تمسک به اطلاق هر گاه ماهیتی - چه تکوینی و چه اختراعی و اعتباری - دارای انواع متعدد باشد و در مقام اثبات دلیلی بر تقیید به یکی از آن انواع نباشد برای مشروعیت کلیه انواع و اقسام آن، می توان به اطلاق دلیل تمسک کرد. (۱۸) نتیجه این مقدمه برای بحث ما این است که ازدواج موقت نوعی از نکاح است بنابراین برای مشروعیت آن می توانیم به اطلاق ادلهء نکاح تمسک کنیم، زیرا اطلاق آیات نکاح، هر دو قسم نکاح را در بر می گیرد. ۶ - گفتاری از موسی جارالله موسی جارالله، طبق نقل علامه امینی در کتاب "الغدیر" گفته است: نکاح متعه در جاهلیت مرسوم بوده است و یک پدیده اسلامی نیست تا دنبال ناسخ بگردیم. نگارنده می گوید: بنابراین گفته ایشان لفظ متعه، حقیقت عرفیه در ازدواج موقت است و بر این اساس، آیه استمتاع ناظر بر آن است و نیازی به اثبات حقیقت شرعیه نداریم، زیرا در اصول ثابت شده که هر گاه برای الفاظ معانی عرفیه ای موافق با معانی شرعیه باشد الفاظ کتاب و سنت حمل بر همان معانی عرفیه می شوند و در این فرض نیاز به حقیقت شرعیه نخواهد بود بنابراین در بحث ما آیه شریفه استمتاع حمل بر همان معنای عرفی می گردد و مشروعیت امضایی آن به آیه ثابت می شود، مانند سایر عناوین عرفی معاملی از قبیل بیع و صلح و اجاره. ۷ - فرق بین تأویل و تحریف در بحث های آینده خواهیم گفت که جمعی از قراء زمان پیامبر، چون عبد الله بن مسعود و ابی بن کعب در آیه استمتاع جمله "الی اجل مسمی" را اضافه کرده اند. این اضافه می تواند به عنوان تأویل و تفسیر باشد نه تنزیل،

بنابر این کسی نگویید این آراء مشتمل بر تحریف قرآن است و با جوسازی بحث علمی را مخدوش سازد، (۱۹) علاوه بر این، اختلاف قرائت در اعراب و کلمات ربطی به تحریف اصطلاحی ندارد. ۸- نسخ قرآن به سنت در این که پیامبر مکرم اسلام می توانست حکم آیاتی از قرآن را نسخ کند جای بحث نیست چون پیامبر هیچ کاری را از پیش خود انجام نمی دهد: " ما یطلق عن الهوی ان هو الا- وحی یوحی (" ۱) بنابر این اگر مأمور به نسخ شد مأموریت خود را اجرا می کند ولی این امر برای ما جز با سنت قطعی قابل اثبات نیست. بر این اساس، وحی قرآنی با خبر واحد - آنها ضعیف السند و مختلف المدلول - پذیرفته نمی شود. ۹ - نسخ احکام توسط زمامداران و خلفا امامیه بر اساس روایاتی چون " حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه (" ۲) نسخ احکام را بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ممنوع می داند و به استمرار کلیه احکام اولی و ثانوی و ظاهری و واقعی قائل است، اما اهل سنت گرچه کلام آنان در این جهت مشوش و از بعضی تصریح به جواز اجتهاد در قبال نص مشاهده می شود، ولی از گفتار محققان آنان استفاده می شود که این امر نامشروع بلکه کفر و ارتداد تلقی می گردد. صاحب جواهر در این مقام بحث مفصلی نموده و گفتار جمعی از صحابه، از جمله ابو بکر و عمر را که حاکی از عدم جواز اجتهاد در ۱. نجم آیه های ۳ و ۴. ۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۸. (۲۰) قبال نص می باشد، نقل کرده است. فخر رازی در کتاب " تفسیر کبیر " هرگونه تغییر احکام را مساوی با کفر دانسته است. عبارت او این است: " لأن من علم ان النبی (صلی الله علیه و آله) حکم بأباحة المتعة ثم قال انها محرمة محظورة من غیر نسخ لها فهو کافر بالله ومن صدقه علیه مع علمه بكونه مخطئا کافرا، کان کافرا ایضا (" ۱) بر این اساس ایشان و جمع کثیری از اهل سنت در صدد بر آمده اند کار خلیفه را به صورت دیگر توجیه کنند - خود او می نویسد: نهی خلیفه، مسبوق به نسخ پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده نه از پیش خود. ۱۰ - استصحاب عدم نسخ هر گاه از ادله لفظیه نسبت به استمرار جواز متعه (در اثر تعارض روایات وارده و اقوال موجود و جهات دیگر) دستمان کوتاه شد باید بینیم مقتضای قاعده و اصل عملی چیست؟ علمای امامیه نوعا مقتضای اصل استصحاب را بقای جواز متعه می دانند. محقق اردبیلی گفته است: فالکتاب والفقہ والامه فی بقائها والأصل والإستصحاب وعدم دلیل واضح علی النسخ وکونه علی خلاف الاصل... دلیل العدم. (" ۲) صاحب جواهر نیز مقتضای اصل را دوام حکم جواز دانسته است. عبارت ایشان این است: " والاصل دوام الحكم وانتفاء النسخ حتی یعلم خلافه. (" ۳) ۱. تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۰. ۲. زبده البیان ج ۲، ص ۶۵۲. ۳. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۵۰. (۲۱) نگارنده مرقوم می دارد: از کلام محقق اردبیلی استفاده می شود مقتضای قاعده در ظرف شک، جریان دو اصل است: یکی استصحاب و دیگری چیزی که ایشان و علامه آن را اصل نامیده اند. شیخ انصاری در اول بحث " خیارات " برای این اصل چهار معنا ذکر کرده سر انجام معنای چهارم را پسندیده و آن را عبارت از وضع عرفی و شرعی دانسته است (۱). در هر حال، استصحاب حکم کلی که نتیجه اش عدم نسخ است مخدوش می باشد، زیرا شرط اصلی استصحاب، یقین به حدوث مستصحب است و این امر در موارد شک در نسخ محرز نیست. چون آنچه قطع به حدوث آن داریم حکم شرعی حاضرین در عصر پیامبر است. اما نسبت به معدومین در آن زمان (مثل انسان های فعلی) در اصل حدوث حکم شک داریم و با وجود این شک، جای استصحاب حکم کلی - که در بحث ما جواز عقد متعه است، نخواهد بود. سر انجام نوبت به استصحاب حکم شخصی می رسد و آن حرمت استمتاع شخص عاقد از زن مورد عقد است، نتیجه این استصحاب، فساد عقد خارجی است. فقها این استصحاب را " اصالة الفساد " در عقود می نامند. سر انجام نتیجه این استصحاب به نفع خصم تمام می شود (۲). ۱. مکاسب بخش خیارات بحث خیار مجلس. ۲. ر. ک: مصباح الاصول، ج ۳ / ۴۶. آنچه درباره استصحاب گفته شد، ثابت می کند آزادی نگارنده را از جهت گیری قومی و اجتناب از تعصبات تقلیدی، چنان که در مقدمه کتاب اعلام موضع نمودم. (۲۲) ۱۱ - ماهیت ازدواج موقت نکاحی است که مشروط به ذکر مدت معین و مهر معین است و در آن توارث و لزوم نفقه بالذات نیست ولی زوجین می توانند توارث و انفاق را از راه شرط ضمن العقد، مسجل نمایند. همچنین در نکاح متعه محدودیتی از نظر تعداد وجود ندارد و نیز مرد می تواند از باردار شدن زن جلوگیری کند گرچه زن راضی نباشد و آن را ضمن

عقد شرط نکرده باشند اما در نکاح دائم هر گاه ضمن عقد شرط عزل نباشد وزن هم راضی به آن نگردد مسأله محل اختلاف است، شهید ثانی آن را مکروه (۱) و صاحب عروه این کراهت را به مشهور نسبت می دهد (۲) ولی شهید اول تصریح به حرمت کرده است. از ویژگی های دیگر متعه، عدم نیاز به طلاق است، زیرا با پایان یافتن مدت و یا بذل آن، علقه زوجیت قطع می شود و برای این نکاح نیز عده وجود دارد و آن دو حیض کامل است و اولاد این علقه مانند فرزندان نکاح دائم از تمام مزایای حقوقی برخوردارند. ۱۲ - عقد متعه مانند عقد دائم دارای ایجاب و قبول است و حتما باید مدت و مهر معین شود. آنچه در مدت و مهر لازم است تعیین مقدار است اما کم و زیاد آنها ایرادی ندارد. صاحب کتاب "صیغ العقود" می نویسد: هر گاه زن بگوید "متعک نفسی ۱. شرح لمعه ج ۲ / فصل اول از فصول نکاح. ۲. عروه کتاب نکاح فصل ۱ / مسأله ۴. (۲۳) بدرهم الی شهر" یعنی من خودم را به یک درهم و تا یک ماه به زوجیت تو در آوردم. و مرد بگوید: "قبلت المتعه" کفایت می کند. (۱) مرحوم امام در کتاب "تحریر الوسیله" هر یک از الفاظ "متع" و "زوجت" و "انکحت" را در ایجاب کافی دانسته و قبول را نیز به هر یک از "رضیت" و "قبلت" صحیح دانسته است. (۲) اما معاطات و رضایت باطنی را کافی نمی داند و در کتاب توضیح المسائل ایشان آمده است که: اگر بعد از تعیین مدت و مهر زن بگوید "زوجتک نفسی فی المدئه المعلومه علی المهر المعلوم" و مرد بلا فاصله بگوید "قبلت" صحیح است. همچنین مرقوم است که: هر گاه زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند به هر لفظی که مشتمل بر معنای "زوجت و قبلت" باشد صحیح است و لازم نیست وکیل بگیرند. (۳) به نظر ایشان در دوشیزگان اذن پدر و یا جد پدری با وجود دسترسی به آنان شرط است. ۱۳ - نسبت های ناروا به امیر المؤمنین (علیه السلام) با این که جواز متعه و استمرار آن از ضروریات مذهب اهل بیت (علیهم السلام) است و روایات کثیره از عامه و خاصه وارد شده که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: "لولا نهی عمر عن المتعه ما زنی الا شقی" (۴) اما با وجود این، در بعضی روایات اهل سنت گزارش های بدون سند و یا با ۱. ملاعلی قزوینی، صیغ العقود، ص ۶۵. ۲. تحریر الوسیله، ج ۷ ص ۲۵۸. ۳. توضیح المسائل مسأله ۲۳۶۹ و ۲۳۷۰. ۴. تفسیر فخر رازی ج ۱۰، ص ۵۰. (۲۴) اسناد بی اعتبار، مبنی بر این که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) متعه را ممنوع نموده به چشم می خورد (۱). نگارنده می گوید: این گونه روایات در هر کتابی باشد مردود و محکوم به وضع و جعل است، زیرا معارض با روایات دیگر اهل سنت است و مخالف با روایات متواتره اهل بیت (علیهم السلام) و ضرورت مذهب است. ۱۴ - متعه یکی از اقسام نکاح است بی شک ازدواج موقت (متعّه) یک نوع قرارداد زوجیت و نکاح است و در مفهوم نکاح، توارث و لزوم انفاق و قابلیت برای طلاق اخذ نشده بلکه این امور از لوازم و آثار شرعی خصوص نکاح دائم آن هم در غالب موارد آن است نه در تمام افراد و اصناف. لذا زنی که شوهر خود را به قتل برساند از او ارث نمی برد، هر چند همسر به عقد دائم باشد و همین طور زوجه ناشزه استحقاق قسم و نفقه ندارد و در زوجه دائمه ای که شوهرش مرتد شود و یا با یکدیگر ملاحظه کنند علقه زوجیت بدون طلاق گسسته می شود. بنابر این می توانیم برای مشروعیت آن به عموماً نکاح تمسک کنیم چنانچه شیخ طوسی در کتاب خلاف از این شیوه استفاده نموده است. با توجه به مراتب فوق، بطلان یکی از دلایل خصم بر ملا می شود. توضیح این که: اکثر مخالفان گفته اند: آیه شریفه "والذین لفروجهم حافظون الا- علی ازواجهم او ما ملکتم ایمانهم فانهم غیر ملومین فممن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون" (۲) دلالت دارد بر حصر ۱. تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۰. ۲. مؤمنون، آیه ۸ و معارج، آیه ۳۲. (۲۵) مشروعیت التذاذ جنسی به همسر و کنیز و چون زن در عقد متعه، همسر و کنیز نیست، التذاذ جنسی از او داخل در مستثنی "فهم العادون" می باشد. با توجه به آنچه گفته شد سستی و بطلان این استدلال روشن است، چون عرفاً و اصطلاحاً متعه نوعی نکاح است و همسر موقت، زوجه محسوب می شود و شاهد بر آن این است که مخالفان در تعبیرات خود آن را نکاح باطل قلمداد کرده اند. ۱۵ - اتفاق علمای مذاهب اربعه همان گونه که قبلاً گفته شد اتفاق علمای مذاهب اربعه (مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی) در حال حاضر به حکمی از احکام، دلیل بر این نیست که مؤسسان این مذاهب با هم اتفاق نظر داشته اند، زیرا ممکن است این اتفاق در اثر

سوء برداشت از فتاوی آنان باشد، چنان که در مسأله متعه به مالک و احمد نسبت جواز داده شده است. در هر حال، اتفاق علمای این چهار مذهب، دلیل بر اتفاقی بودن حکم در میان اهل سنت نیست، زیرا همان طور که گفته شد مذاهب اهل سنت منحصر به این چهار مذهب نیست، زیرا قبل از تأسیس این مذاهب و بعد از تأسیس آنها مذاهب دیگر به وجود آمده است که اهم آنها عبارتند از: ۱ - شیعه جعفری که پیرو دوازده امام معصوم اند. ۲ - شیعه زیدی ۳ - شیعه اسماعیلی ۴ - مذهب ظاهری (۲۶) ۵ - مذهب جریری ۶ - مذاهب سفیان ثوری، اوزاعی، زهری و فقهای سبعه تابعی و فقهای سبعه صحابی که در مقدمه دوم به طور مفصل مذکور شد. ۱۶ - حجیت اخبار ائمه برای اهل سنت ابتدا باید دانست که: روایات صادره از امامان اهل بیت (علیهم السلام) که از راه کتاب های معتبر به ما رسیده و اسناد آن دارای اعتبار می باشد بر اهل سنت طبق مبانی خودشان حجت است و باید به آن عمل کنند، زیرا همان گونه که مرجع والامقام آیه الله فاضل لنکرانی در یک سخنرانی (۱) از مرحوم آیت الله بروجردی - اعلی الله مقامه الشریف - نقل کردند: اهل بیت نزد اهل سنت (البته به غیر خوارج و نواصب) افرادی عالم و منزله از گناه می باشند و اختلاف در پاکی و آگاهی آنان نیست، مورد نزاع در خصوص امامت سیاسی ایشان است، بر این اساس باید تسلیم روایات ائمه شوند چون ائمه (علیهم السلام) بارها تصریح کرده اند که علوم آنان منتهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شود و کلیه روایات ایشان به سرچشمه وحی منتهی می گردد، و چون امامان شیعه در نزد اهل سنت حد اقل راویانی صادق و آگاه اند. بنابر این آنچه را به عنوان حکم کلی اسلام بیان کرده اند بر آنها نیز حجت است. ۱۷ - شرط تعارض اخبار از شروط اولیه تعارض اخبار، حجیت ذاتی آنهاست. بنا بر این هر گاه خبر ۱. این سخنرانی مربوط به یکی از سمینارهایی بود که در مدرسه عالی تربیتی و قضائی قم (دانشگاه قم) انجام شد. (۲۷) و واحدی از اعتبار سندی برخوردار نباشد، یعنی یا دارای سند متصل نباشد (خبر مرسل) و یا راویانش افراد مورد اعتماد و ثقه نباشند این گونه اخبار صلاحیت تعارض با حدیث معتبر را ندارد. هم چنین هر گاه در اثر تعارض، محکوم به تساقط شوند باز صلاحیت معارضه با خبر معتبر دیگر را که با هر دو مخالف است ندارند. توضیح این که: چنانچه خواهد آمد اخباری که حاکی از نسخ حکم متعه هستند با یکدیگر معارضه دارند مفاد برخی، نسخ در جنگ خیر است و مفاد برخی در فتح مکه و این دو در اثر تعارض ساقط می شوند لذا صلاحیت تعارض با اخباری که حاکی از استمرار حکم و عدم نسخ آن است نخواهند داشت گذشته از این مطالب، عقیده اکثر بر این است که در نسخ احکام قطعیه خبر واحد معتبر کافی نیست بلکه باید خبر متواتر و یا مقرون به قرائن قطعیه باشد. بر این اساس نتیجه می گیریم که تمامی روایات دال بر نسخ از اعتبار ساقط و ارزش معارضه با اخبار دال بر عدم نسخ را نخواهند داشت. این بحث ها طبق مبانی اهل سنت است ولی از نظر امامیه بقا و حکم متعه امری ضروری و قطعی است، بدیهی است که در مقابل قطع و ضرورت مذهب موردی برای معارضه باقی نمی ماند و هر گونه خبر مخالف، مجعول و یا لازم التوجیه خواهد بود. ۱۸ - معانی متعه در لغت به معنای بهره بردن است ولی در اصطلاح شرعی به سه بهره خاص اطلاق می شود: (۲۸) ۱ - نکاح موقت (۱)، ۲ - حج تمتع، ۳ - مالی که انسان هنگام طلاق زن دائمی (قبل از دخول) که برای او مهری معین نشده می پردازد. بحث فعلی ما خصوص نکاح موقت است و نسبت به حج تمتع در فصل آخر کتاب، بحث کوتاهی خواهیم داشت. (انشاء الله) در هر حال، ذکر مدت و مهر معین از ارکان عقد متعه است و بدون تعیین مهر، ازدواج موقت باطل است. اما هر گاه ذکر مدت فراموش شود در نظر مشهور نکاح به صورت دائم تحقق می یابد (۲). ۱۹ - یک بام و دو هوا بودن آرای ابو حنیفه از عجایب امر، یک بام و دو هوا بودن افکار ابو حنیفه و پیروان او است. آنان در باره متعه آن چنان حساس و صاحب غیرت هستند که آن را عملی حرام و منکر می دانند، در حالی که اگر زنی را برای زنا اجاره کنند آن چنان حساسیت ندارند و سر و صدا راه نمی اندازند و صریحا فتوا به نفی حد زنا می دهند. (۳) بالاتر از آن این است که به رأی ابو حنیفه اگر کسی مادر و خواهر و سایر محارم خود را (با علم به محرمیت آنان در دین اسلام) به عقد ازدواج خود در آورد و بعد با التفات به این که این عقد باطل است با آنان زنا کند، حد زنا ساقط و غیر از تعزیر عقوبتی ندارد. (۴) ۱. احیاناً به زنی که به عقد انقطاعی در آمده باشد، متعه گفته می شود. ۲. جواهر الکلام ج ۳۰، ص ۱۷۳، مبانی

تکمله منهاج، ج ۱، ص ۳۰۶. بدایه المجتهد، ج ۲، ص ۳۲۵ و الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۹۶. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۹۸ و جمعی از اعلام اهل السنه چنان که در پاورقی ص ۱۲۰ "محاضرات فی الفقه الجعفری" نقل شده است. (۲۹) اینان متعه را از منکرات اجتماعی و سبب شکستن حرمت ها می دانند، اما عقد مادر و خواهر و عمه و خاله و سایر محارم را کانالی برای سقوط حد زنا قرار داده اند و به آسانی از کنار این نظر رسوا عبور می کنند. ۲۰ - باز هم پیرامون نهی عمر (خلیفه دوم) اکثر دانشمندان علوم اسلامی عقیده دارند که ممنوعیت متعه در مذهب اهل سنت بر اساس نهی خلیفه دوم (عمر) صورت گرفته است و بر این مدعا گزارش داده اند که عمر در اثر بر خورد احساسی در اثر نفوذ متعه به داخل خانواده خود (چنانکه بعدا در بحث تاریخی تذکر داده خواهد شد) در جمع مسلمین صریحا اعلام کرد "متعتان محللتان فی زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله) و انا أحرمهما و اعاقب علیهما" (۱). این جمله خلیفه که به تواتر به ما رسیده حاکی از آن است که خلیفه جواز متعه و استمرار آن را تا زمان تحریم و تشریح خود قبول داشته و به آن معترف بوده است. امامیه، از بدو امر این عمل خلیفه را نامشروع و مخالف با پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته اند لذا از قدیم الایام به عنوان طعن بر خلیفه دوم در کتابها طرح کرده اند و جمعی از غیر امامیه - که یکی از آنان فرزند او است - گفته اند: ما به قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعتماد می کنیم نه به رأی خلیفه. توجیه فاضل قوشچی ۱. تفسیر فخر رازی، ج ۵۰، ص ۱۰ و شرح تجرید قوشچی بخش مطاعن خلیفه دوم و مدارک فراوان دیگر چنانکه بعدا مذکور می شود. (۳۰) فاضل قوشچی در شرح تجرید گرفتار کج اندیشی شده و نوشته است: خلیفه در این ماجرا اجتهاد کرده و منعی نیست از این که مجتهد در مقابل مجتهدی دیگر ابراز مخالفت کند. این کلام برای رسوایی او و همفکرانش کافی است و در تاریخ صدور آن از یک مسلمان کم نظیر است. این است عاقبت کج اندیشان و آنها که از مسیر ولایت اهل بیت (علیهم السلام) منحرف می شوند. در هر حال، پاسخ این کلام واضح است زیرا پیامبر، احکام اسلام را از وحی تلقی کرده است و وحی الهی قابل مخالفت و اجتهاد برخلاف آن نیست: "ما یقول عن الهوی ان هو الا وحی یوحی" (۱). شگفتا که به نظر این دانشمند، کسی که درس نخوانده و در مسائل شرعی به شهادت تاریخ بارها و امانده و خود گفته است: "کل الناس اقله من عمر حتی المخدرات فی الحجال" (۲)، قولش با پیامبر مساوی بلکه افضل و ارجح شناخته می شود. توجیه سیاسی (۳) بعضی می گویند نهی عمر، سیاسی و به صلاح نظام اسلام بوده است. پاسخ این کلام این است که باید محدوده قدرت حاکم مشخص شود، حاکم و حکومت اسلامی برای حفظ حدود اسلام و مقررات آن است، ما هیچ گونه مدرکی بر صلاح ۱. سوره نجم، آیه ۳ - ۴. ۲. نهج الحق ص ۲۷۷ و کشف المراد ص ۳۷۸. ۳. این توجیه را علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب "اصل الشیعه" اعلام داشته و مرحوم آقای مطهری آن را، بهترین توجیه دانسته است. (۳۱) اندیشی حاکمان در تغییر کلی احکام اسلام نداریم. آنچه هست عناوین ثانوی مثل ضرر و حرج و اکراه و اضطرار و نسیان و خطا و جهل است (که در حدیث رفع و قاعده لا- ضرر و لا- حرج و امثال آنها) احصا شده است. اگر مصلحت اندیشی حاکمان، معیار نسخ احکام باشد، تأمین فقهی و ثبات قانونی اسلام در هم می شکند و تمامی بدعت ها توجیه می گردد و "حلال محمد حلال الی یوم القیامه" بدون مصداق می ماند، بلی تراحم دو قانون (در مرحله اجرا) و تقدیم اهم بر مهم قابل قبول است ولی این امر ربطی به تغییر قانون و کم و زیاد کردن احکام الهی ندارد. قرآن در باره پیامبر (صلی الله علیه و آله) اسلام اعلام می کند "ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین" (۱). وقتی پیامبر، اختیار تغییر احکام را نداشته باشد چگونه این اختیار به دیگران داده شده است. (۲) ۱. الحاقه، آیات ۴۵ - ۴۷. ۲. بر اندیشمندان روشن است: آنچه در این بحث (توجیه سیاسی) گفته شد مربوط به تغییر و نسخ احکام است و ربطی به تعطیل و تاخیر اجرایی ندارد. کما این که آنچه مرقوم شد منافی با عقیده عدلیه در وجود ملاکات نفس الامری نیست.

بخش دوم: بعد تاریخی متعه

(۳۵) بعد تاریخی متعه موسی جاراالله گفته است: نکاح متعه قبل از اسلام رواج داشته است (۱)، نگارنده این گفتار را می پذیرد، چون نیاز بشر و قیاس به اشباه و نظایر، آن را تایید می کند. در هر حال شکی نیست که اسلام در آغاز، متعه را با اصلاحاتی پذیرفته است تا جایی که اولین مولود از مهاجران به نام "عبد الله بن زبیر بن عوام" نتیجه این نکاح است. (۲) در تفسیر کبیر "مفاتیح الغیب" از فخر رازی مسطور است که: "امت بر جواز نکاح متعه در صدر اسلام اتفاق دارند و در این جهت اختلافی نیست، آنچه هست اختلاف در نسخ آن است." (۳) ابن ابی الحدید نیز از "قاضی عیاض" جواز آن را در صدر اسلام نقل کرده و خود، آن را پذیرفته و در صدد توجیه کار خلیفه ثانی بر آمده است. (۴) ۱. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۷. ۲. تفسیر ابو الفتوح رازی در بخش تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء و کتاب النقض، عبد الجلیل رازی، ص ۶۸۱. ۳. تفسیر فخر رازی ج ۱۰، ص ۵۲. ۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه (چهار جلدی) ج ۳، ص ۱۶۶. (۳۶) جمع بسیاری از علمای اهل سنت با حلیت آن در صدر اسلام موافقت دارند (که در بخش اقوال روشن می شود)، بعضی از این گروه پذیرفته اند که حلیت متعه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ایام ابو بکر و چند سال بعد از خلافت خلیفه دوم استمرار داشته است. خلیفه دوم بعد از گذشت چند سال از خلافت خود در اثر بر خورد با بعضی جریانات دچار احساسات شد و آن را با حکم معروف خود "متعان محللتان کانتا فی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و انا احرمهما و اعاقب علیهما" (۱) تحریم نمود. (۲) سیوطی، از کتاب "اولیات" ابو هلال عسکری نقل کرده که خلیفه دوم اولین کسی است که متعه نساء را تحریم نمود (۳). با این که خلیفه بر تحریم متعه اصرار می ورزید علاوه بر رجال شیعه جمع کثیری از صحابه و تابعین، تسلیم منع خلیفه نشدند و هم چنان بر حلیت آن عقیده داشتند تا جایی که عبد الملک بن جریح (در گذشته ۱۴۹ یا ۱۵۰ ق) که خود از فقیهان معروف تابعین است به گفته شافعی، هفتاد و به گفته ذهبی، حدود نود زن را به نکاح متعه خود در آورد (۴). علامه امینی اسامی متجاوز از بیست شخصیت صحابی و تابعی را که طرفدار نظر امامیه اند به تفصیل از کتاب های اعلام اهل سنت استخراج و با آدرس ۱. دو متعه در زمان پیامبر حلال بود: متعه نساء و حج. و من اکنون هر دو را حرام کرده و مرتکب آنها را عقوبت می نمایم. ۲. علامه امینی در مجلد ۶ الغدیر این حدیث و نظیر آن را از صحیح مسلم و سنن بیهقی و مسند احمد و تفسیر رازی و احکام القرآن جصاص و کنز العمال والدر المنثور والبیان والتبیین جاحظ و تفسیر قرطبی و تفسیر طبری و مبسوط سرخسی و شرح تجرید قوشچی و محاضرات راغب و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نقل کرده است. ۳. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۹۳. ۴. الغدیر ج ۶، ص ۲۲۲. (۳۷) دقیق معرفی کرده است. اسامی این جمع به زودی خواهد آمد. مرحوم کلینی در کتاب کافی از شخصی به نام هاشمی نقل کرده است: از حضرت صادق حکم متعه را پرسیدم، امام مرا به ابن جریح احاله داد، ابن جریح گفت: متعه جایز است و آن را حد و حصری نیست و به مجرد تمام شدن مدت، مفارقت حاصل می گردد و باید مهر زن را هر چه بوده به وی بدهند و عده آن، دو حیض است و اگر از زنانی است که حیض نمی بیند عده اش ۴۵ روز است، راوی می گوید، سخن او را برای امام صادق نقل کردم، امام فرمود: درست گفته است. (۱) چکیده گفتار علامه امینی در جلد ششم کتاب الغدیر در رد کلام موسی جاراالله، به تفصیل سخن گفته و با قلم محققانه خود، مطالب وی را باطل ساخته است. چکیده کلام این مدافع حریم ولایت را ترجمه و در اختیار پژوهشگران و اهل نظر قرار می دهم. ایشان در یک تحقیق، اسامی جمعی از صحابه و تابعین را که قائل به جواز و بقای حکم متعه اند به این شرح بیان فرموده است: - عمران ابن حصین - جابر بن عبد الله - عبد الله بن مسعود - عبد الله بن عمر - معاویة بن ابی سفیان - عمرو بن حریث ۱. محمود شهابی، ادوار فقه ج ۳، ص ۴۲۹. (۳۸) - ابی بن کعب - ربیع بن امیه - سمیر - سعید بن جبیر - طاووس یمانی - ابو سعید خدری - سلمة بن امیه - معبد بن امیه - زبیر بن عوام - خالد بن مهاجر - عطای مکی - سدی - مجاهد - زفر - مالک بن انس مؤسس مذهب مالکی به نقل از فخرالدین رفیعی و فخرالدین غرناطی و برخی دیگر - ظاهر کلام احمد بن حنبل درج ۴ مسند ص ۴۳۶ (۱). ۱. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۱ - ۲۲۴. نگارنده مرقوم می دارد: به نقل ابن رشد، عمرو بن دینار و ابن جریح نیز قائل به بقای اباحه متعه می باشند و به نقل علامه در نهج الحق ص ۵۲۶ مغیره بن شعبه نیز از این گروه محسوب

می شود و بنا بر نقل ابن رشد و ابن قدامه و برخی دیگر که (اصحاب ابن عباس از فقهای مکه و یمن به پیروی از او) طرفدار بقای جواز متعه اند. جمع کثیری چون عکرمه و عبد الله بن ابی ملیکه و ابو یسار و سلمه بن خالد و شراجیل بن شراجیل و معمر بن راشد و جمع کثیری را باید به آمار فوق اضافه کرد: صاحب جواهر درج ۳۰ در رد اجماع اهل سنت اسامی بیش از ۳۵ نفر از صحابه و تابعین را به تفصیل نام برده که تماماً قائل به استمرار جواز متعه می باشند. فکیکی بغدادی نیز نام ۲۷ شخصیت معروف از صحابه و تابعین را در " کتاب المتعه " که قائل به جواز متعه شده اند، به تفصیل اعلام نموده است.

بخش سوم: انظار فقیهان

(۴۱) آراء فقیهان گرچه در بخش تاریخی، آراء برخی فقیهان صحابی و تابعی مذکور شد ولی برای تکمیل بحث ناچاریم به صورت مستقل به ذکر آراء فقیهان پردازیم. الف: آراء علمای اهل سنت ابن رشد محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن رشد اندلسی (متوفای ۵۹۵ ق) گفته است: اخبار متواتری از رسول خدا در مورد تحریم نکاح متعه صادر گشته ولی مدلول اخبار نسبت به زمان تحریم با یکدیگر اختلاف دارند: برخی روایات گویای این است که ظرف تحریم، زمان جنگ خیبر است، بعضی فتح مکه، عده ای حجه الوداع، دسته ای عمره القضاء و برخی عام اوطاس است. سپس می نویسد: اکثر صحابه و جمیع فقها بلاد قائل به تحریم آن می باشند. اما ابن عباس و پیروانش از اهل مکه و یمن آن را جایز دانسته اند، دلیل آنان آیه " فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن " می باشد. ابن جریح و عطاء از ابن (۴۲) عباس روایت کرده اند: نکاح متعه از جمله رحمت های خداوند بر امت اسلام است و اگر عمر بر تحریم آن اقدام نکرده بود جز افراد قلیل، کسی گرفتار زنا نمی شد: " ما اضطر الی زنا الا شفا، شفا با فاء به معنای قلیل می باشد. " عطاء گفته است: جابر بن عبد الله می گفت: در زمان پیامبر و ابی بکر و تا نیمه خلافت عمر، نکاح متعه رایج بود سپس عمر آن را ممنوع کرد. (۱) آنچه از کلام ایشان استفاده می شود این است که: ۱ - نکاح متعه در صدر اسلام و سال ها بعد از هجرت، مباح و مورد عمل بوده است. ۲ - بعد از سال ها از هجرت، متعه، طبق روایات متواتره ای که در مدلول زمانی معارض یکدیگرند، تحریم گشته است. ۳ - با وجود روایات مذکوره جمعی از صحابه و تابعین این روایات را نپذیرفته و هم چنان قائل به جواز آن بوده اند. ۴ - طرفداران جواز نکاح متعه تحریم متعه را از جمله اقدامات عمر دانسته و این عمل خلیفه را منشأ فحشاء و فجور قلمداد کرده اند. زمخشری محمود بن عمر زمخشری (متوفای ۵۲۸ ق) در تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء جمله " فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن " را بنا بر آنچه از جمعی نقل شده مربوط به نکاح متعه دانسته، سپس گفته، ابن عباس آن را غیر منسوخ و دیگران آن را ۱. بدایه المجتهد، ج ۲، ص ۴۴. (۴۳) منسوخ دانسته اند. (۱) فخر رازی فخر رازی در تفسیر کبیر نوشته است: " ان الامه مجمعه علی ان نکاح المتعه کان جائزا فی الاسلام ولا خلاف بین احد من الامه فیه، انما الخلاف فی طریان النسخ " (۲) یعنی، امت بر جواز نکاح متعه در صدر اسلام اتفاق دارند، اختلاف فقط در نسخ آن است. بیضاوی عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفای ۷۹۱ ق) در تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء می گوید: جمعی آیه را مربوط به نکاح متعه آن هم در فتح مکه دانسته اند. سپس می نویسد: بعد از سه روز از جریان نزول توسط پیامبر منسوخ گشته است. ولی ابن عباس همچنان قائل به بقای جواز آن بوده ولی او هم از رأی خود برگشته است. (۳) ابن قدامه ابن قدامه حنبلی در کتاب " المغنی " نوشته است: ابن عباس و اکثر اصحاب او عقیده به بقای جواز ازدواج موقت (متعه) داشته اند و این امر موافق با نظر ابن ۱. تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۴۷۱. ۲. تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۲. ۳. انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۱، ص ۲۱۳. (۴۴) جریح و ابی سعد خدری و جابر بن عبد الله و مطابق با عقیده شیعه امامیه است. دلیل آنان اذن پیامبر و روایتی است که از خلیفه دوم (عمر) نقل شده: " متعتان محللتان " (۱...۱) قاضی عیاض و نووی " نووی " در شرح صحیح مسلم از " قاضی عیاض " نقل کرده است که: روایات اباحه متعه را جماعتی از صحابه نقل کرده اند. قاضی این روایات را حمل بر اضطرار نموده آن هم در سفر، و نیز قاضی گفته به اتفاق علما، ازدواج موقت، یک نوع نکاح است که در آن میراث و طلاق

نیست و بعدا اجماع بر حرمت آن شده و جز ابن عباس و روافض کسی بر استمرار اباحه آن قائل نیست. سپس " نووی " می نویسد: قول صواب این است که بگوییم جواز و تحریم متعه در دو نوبت واقع شده: قبل از خیبر مباح بوده و بعد از آن حرام شده سپس در فتح مکه مباح و بعد از سه روز تحریم ابدی شده است. (۲) صحیح مسلم در کتاب صحیح مسلم در بخش نکاح، حدود ۲۴ حدیث در باره متعه نساء نقل شده که بیشتر آنها دلالت بر جواز نکاح در صدر اسلام دارد و برخی از آنها بر بقای جواز آن تا گذشت نیمی از خلافت عمر صراحت دارد، یکی از آن ها حدیث ذیل است: ۱. ابن قدامه، مغنی، ج ۷، ص ۵۷۳. ۲. صحیح مسلم به شرح نووی کتاب نکاح. (۴۵) وحدثنا الحسن الحلوانی حدثنا عبد الرزاق اخبرنا ابن جریح قال: قال عطاء قدم جابر بن عبد الله معتمرا فجننا فی منزله وسالاه القوم عن اشیاء ثم ذكروا المتعه فقال نعم استمتعنا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه وآله) وأبی بكر وعمر. صحیح بخاری در کتاب نکاح حدیثی را از جابر و سلمه بن اکوع نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستور جواز متعه را صادر نمود و سپس در نقلی که از امیر المؤمنین (علیه السلام) واصل گشته خود پیامبر (صلی الله علیه وآله) آن را منسوخ اعلام کرده است. (۱) ب: آرای علمای امامیه علامه مجلسی علامه محمد باقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ ق) در کتاب معروف بحار الانوار می نویسد: در اصل مشروعیت نکاح متعه اختلافی نیست، اختلاف در نسخ حکم و دوام آن است. در باره جواز متعه بنا بر اکثر تفاسیر و اصح آنها این کلام الهی نازل گردیده است: "فما استمتعتم به ("... ۲)، و بر آن (دوام حکم به جواز) اجماع اهل بیت (علیهم السلام) استقرار یافته و اخبار متواتره صادر گشته است. فخر رازی گفته است: امت اسلام بر جواز متعه در صدر اسلام اتفاق دارند و نیز از پیامبر روایت شده که در سفر عمره ای که پیامبر با جمعی از اصحاب به مکه ۱. صحیح بخاری به شرح سندی ج ۳ کتاب نکاح - در بحث های مقدماتی گذشت که نسبت روایت نسخ به امیر المؤمنین (علیه السلام) افتراء محض است چون عقیده ایشان، بر استمرار جواز آن، برای ما به تواتر اقوال و اخبار ثابت است. ۲. نساء، آیه ۲۴. (۴۶) آمدند، اذن به نکاح متعه داد. سپس می نویسد: بسیاری از فقهای اسلام بر وجود اتفاق بر اصل مشروعیت ازدواج موقت تصریح نموده اند. مسلم در صحیح و ابن اثیر در جامع الاصول از عبد الله بن مسعود روایت کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در جنگ ها اجازه دادند از نکاح موقت استفاده کنیم و این روایت را نبوی در "مشکاة المصابیح" درج و آن را از اخبار مورد اتفاق قلمداد کرده است. بخاری و مسلم در کتاب صحیح خود و ابن اثیر در جامع الاصول از "سلمه بن اکوع" و "جابر" نقل کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمان جواز متعه را صادر کرده است. علامه مجلسی بعد از نقل روایاتی از کتاب بخاری، مسلم، جامع الاصول، صحیح ترمذی، ابن اثیر در نهاییه، فخر رازی در تفسیر کبیر و محمد بن جریر طبری در تفسیر معروف خود، که تماما حاکی از جواز متعه و بقای حکم آن می باشد، می نویسد: سبب ممنوعیت بنا بر آنچه "مفضل بن عمر" در یک نقل طولانی از امام صادق (علیه السلام) گزارش داده، امری است که خلیفه دوم در یک جریان احساسی اقدام به آن کرده است. (۱) از آنچه گذشت مشخص شد که "حلیت متعه" مورد تقریر و امضای شارع اسلام (پیامبر (صلی الله علیه وآله)) قرار گرفته و مسلمانان با رعایت قیود و شرایط اسلامی از آن استفاده می نمودند، جواز متعه در زمان پیامبر تا آخرین لحظات عمر شریف آن جناب ادامه داشته و در مدت خلافت ابی بکر و بخشی از خلافت عمر نیز استمرار داشته است، عمر در بخش پایانی ۱. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۵۹۵ - ۶۰۲. نگارنده مرقوم می دارد که جریانی را که مفضل گزارش داده علامه مجلسی در جلد ۵۳ بحار الانوار ص ۲۶ درج کرده است. (۴۷) خلافت خود بر اثر جریانی که برای او رخ داد آن را تحریم نمود. داستان از این قرار است: روزی خلیفه به منزل خواهرش می رود، می فهمد که خواهرش مشغول غسل است، از او می پرسد با این که شوهر نداری و ایام پایانی عادت زنانه تو هم نیست برای چه غسل می کنی، وی گفت: متعه شده ام و از این راه گرفتار جنابت گشته و غسل می کنم، خلیفه از این ماجرا خوشش نیامد به منبر رفته مردم را جمع می کند و می گوید: "متعان محللتان کانتا فی عهد رسول الله وانا احرمهما و اعاقب علیهما متعه النساء و متعه الحج (" ۱) از آن زمان جمهور تابعین خلیفه، از ترس مجازات وی آن را بر خود حرام می کنند، ولی جمع کثیری از صحابه و تابعین زیر بار بدعت خلیفه نرفته و

هم چنان بر جواز و مشروعیت متعه باقی می ماند. (۲) علامه حلی علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر) می نویسد: عمر اولین کسی است که نکاح متعه را تحریم نمود و مذاهب اربعه آن را از او پذیرفتند. (۳) و از محمد بن حبيب بختری نقل کرده که شش تن از صحابه و شش تن از تابعین فتوا به اباحه متعه نساء داده اند. ۱. کتاب النقص عبد الجلیل رازی ص ۶۰۱ در حدیثی که علامه مجلسی در بحار آورده " خلیفه فرزندی در دامان خواهر خود دید. " ۲. مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان در تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء، و فخر رازی و زمخشری در تفسیر آیه مذکور بر این امر تصریح کرده اند. ۳. نهج الحق، ص ۲۸۱. (۴۸) آیه الله خوئی مرحوم آیت الله خوئی در کتاب نفیس " البیان " می نویسد: حلیت متعه مورد اتفاق امامیه و جمعی از صحابه و تابعین است، اسامی آنان به نقل از ابن حزم، ابن مسعود، معاویه، ابو سعید خدری، ابن عباس، سلمه، معبد، جابر بن عبد الله، عمرو بن حریث، طاووس یمانی، سعید بن جبیر، عطای مکی و تمام فقیهان مکه است. احمد بن حنبل هنگام ضرورت قائل به جواز آن و به نقل برخی مالک آن را بدون قید و شرط جایز دانسته است و ابن جریح که خود از فقیهان عامه است هفتاد زن را متعه و به عقد انقطاعی خود در آورده است. (۱) چکیده بحث از مجموع مطالب نتیجه گرفته می شود که: از مؤسسان مذاهب اربعه ابو حنیفه و شافعی قائل به نسخ متعه بوده اند و مالک و احمد بن حنبل - بنابر بعضی اقوال - قائل به بقای حکم متعه اند (۲). بنابر این، اسناد تحریم به آنان قطعی نیست. همچنین محقق شد که امامیه متفق القول در بقای مشروعیت متعه می باشند (۳). و نیز طبق بررسی روایی، مشخص شد که صاحب وسائل الشیعه (محمد بن حسن حر عاملی) بیش از دویست حدیث و حاجی نوری در مستدرک الوسائل حدود نود حدیث در باره مشروعیت و سایر خصوصیات متعه در کتاب های خود درج ۱. البیان ص ۳۳۳. ۲. تفتازانی، شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۸۳. ۳. مرحوم فیض در کتاب وافی بابی را به عنوان مکروه بودن نکاح موقت بدون نیاز به آن منعقد کرده است ولی صاحب جواهر در غیر باکره قائل به اباحه بلکه استحباب بدون قید و شرط آن است و مدعای خود را با اسلوب علمی ثابت کرده است. " ر. ک: جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۱. (۴۹) کرده اند. گفتار امام (خیر ختام) مرحوم امام خمینی (قدس سره) در کتاب " کشف اسرار " نوشته اند: متعه زنان به اجماع مسلمانان در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) گسترش یافت و تا رحلت ایشان ناسخی برای آن نیامد. به حکم اخبار متواتره از اهل بیت (علیهم السلام) و اخبار صحاح خود سنیان از " جابر بن عبد الله " در صحیح مسلم به چند طریق نقل می کند که ما در عهد رسول خدا و ابو بکر و عمر متعه می کردیم تا آن که عمر نهی از آن کرد و این کلام به طور مسلم و استفاضه از عمر نقل شده که رفت منبر و گفت: " متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و انا نهی عنهما و اعاقب علیهما متعه الحج و متعه النساء " (۱). ۱. کشف اسرار، ص ۱۱۷. این کتاب را مرحوم امام در رد کتاب " اسرار هزار ساله " از تالیفات حکمی زاده قمی که بر رد شیعه می باشد، نوشته است استاد عالیقدر حضرت آیه الله آقای وحید خراسانی فرمود بعد از انتشار کشف اسرار، مرحوم امام به مشهد آمد مرحوم میرزا مهدی اصفهانی به عنوان قدردانی از این حرکت دفاعی امام، دست ایشان را بوسید.

بخش چهارم: متعه در قرآن

(۵۳) متعه در قرآن این جمله آیه ۲۴ سوره نساء " فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن " مربوط به جواز متعه نساء است. " زنانی را که متعه می نمایید مهرشان را به عنوان یک امر واجب باید پردازید. " استدلال به این جمله قرآن به وجوه ذیل است: ۱ - اتفاق امامیه: (اتفاقی که شامل قول معصوم می باشد، چون مسأله از زمان امیر المؤمنین مورد بحث بوده) بر نزول آن در خصوص متعه نساء. ۲ - ادعای جمع کثیری از مفسران و فقیهان عامه چون محمد بن جریر طبری، حاکم نیشابوری، سیوطی، ابن انباری، طبرانی، بیهقی، ابو داود، سعید بن جبیر، قتاده، عطاء، عبد الرزاق، ثعلبی، حبيب بن ثابت، مجاهد و سدی، مبنی بر این که ابن عباس و ابی بن کعب، می خوانده اند: " فما استمتعتم به منهن " الی اجل مسمى " با اضافه این جمله آیه صریح در نکاح موقت می شود (۱). و نکاح دائم را شامل ۱. تفسیر آلاء الرحمن، ج ۲، ص ۷۶ و ده ها مدرک دیگر که بعد از ذکر می شود. گفتنی است که این اضافه،

دلیل بر تحریف قرآن نیست چون احتمال دارد از باب تأویل و تفسیر باشد نه وحی قرآنی. (۵۴) نمی گردد، چون تعیین مدت مربوط به نکاح موقت است. ۳- ظهور استمتاع در معنای اصطلاحی "متعّه" است، زیرا چنان که قبلاً ذکر شده و موسی جار الله نیز به آن تصریح کرده، متعه امری سابقه دار است و قبل از اسلام نیز مرسوم بوده، و بر این اساس در استدلال به آیه نیاز به اثبات حقیقه شرعی نیست. ۴- استدلال بعضی از صحابه و تابعین بر جواز متعه در صدر اسلام به آیه شریفه بدون انکار دیگران نیز مبین این امر است. ادعای نسخ جمعی از اهل سنت چون فخر رازی وقتی نتوانسته اند دلالت آیه را انکار کنند مدعی شده اند که آیه متعه به آیات دیگر قرآن منسوخ گشته است. (۱) بعضی گفته اند ناسخ آن جمله "ومن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون" (۲) است، غافل از این که این جمله در سوره مؤمنون و معارج است و هر دو سوره مکی است و آیه متعه در سوره نساء است که بالاتفاق از سور مدنی می باشد و معنا ندارد که آیات مکی، ناسخ آیات مدنی شوند. برخی دیگر گفته اند جمله قبل آیه، ناسخ این جمله هست، توضیح این که: قرآن بعد از آن که زن های محرم (غیر قابل نکاح) را ذکر می کند می فرماید: "واحل لکم ما وراء ذلكم محصنین غیر مسافحین" (غیر از آنچه گفته شد از زنهای غیر قابل نکاح، زن های دیگر بر شما حلال شده، مشروط به این که به صورت زنا نباشد) ۱. مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۴۹. ۲. همان، ص ۵۰. (۵۵) اینان می گویند "متعّه، زنا و سفاح است و با این جمله کلام بعد که مربوط به حلیت متعه هست نسخ می شود" (۱) نگارنده مرقوم می دارد: هر کسی کمترین آگاهی از اصول و مبانی حقوق داشته باشد از این توجیه تعجب می کند، زیرا: ۱- متعه، نکاح است نه زنا و سفاح و گرنه دعوی نسخ معنا نداشت. ۲- نسخ، رفع ید از قانون قبل است بعد از عمل و پی بردن به نواقص قانون و یا گذشت زمان به صورتی که در اوضاع و احوال تغییراتی حاصل شود و نسخ قبل از عمل آن هم توأم با تشریح قانون منسوخ، مستلزم لغویت قانون منسوخ است و این فعل از گوینده عاقل صادر نمی شود، چه رسد به حکیم علی الاطلاق. برخی گفته اند: ناسخ آیه متعه، آیات ارث و صدق و طلاق و عده است، زیرا در نکاح متعه این امور وجود ندارد. (۲) این هم توجیهی است که به سرنوشت توجیه قبل گرفتار است، چون اولاً: در متعه صدق و عده وجود دارد. ثانیاً: آیات مذکوره مخصص عمومات نکاح اند، نه ناسخ آیه متعه. برخی قائلند که ناسخ آیه متعه، سنت نبوی است و در این مورد روایاتی را که اسناد آن ضعیف و دلالت آن ناتمام و متن آن مضطرب می باشد، ارائه داده اند (۳). پاسخ این است که بر فرض غمض نظر از ضعف سند و دلالت، این گونه روایات با روایات دیگر که تعداد آنها بیشتر است بلکه متواترند معارض اند، که در بخش روایی از آنها بحث خواهد شد. ۱. همان، ص ۵۰. ۲. همان، ص ۵۰. ۳. همان، ص ۵۰. (۵۶) استدلال به آیات دیگر شیخ طوسی در کتاب "خلاف" به آیات ذیل نیز استدلال نموده است: ۱- "فانکحوا ما طاب لکم من النساء" (۱) - و احل لکم ما وراء ذلكم ان تبتغوا باموالکم" (۲) نگارنده می گوید: که آیات دیگر قرآن هم که در باره تشریح و تشویق نکاح است شامل آن می شود، مثل "وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم" (۳) و الذین لفروجهم حافظون إلا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فأنهم غیر ملومین" (۴) چکیده دیدگاه علامه امینی (۵) پیرامون آیه ۲۴ سوره نساء در بخشی از آیه ۲۴ سوره نساء می خوانیم: "فما استمتعتم به منهن فأتوهن اجورهن"، "زنانی را که متعه می کنید مهر آنان را باید بپردازید." امامیه عقیده دارند این جمله در خصوص مشروعیت عقد موقت (متعّه) نازل شده و حکم آن به قوت خود باقی است. موسی جار الله گفته این را شیعه می گوید و کسی از علمای اهل سنت با آنان موافق نیست، علامه امینی نام نوزده مفسر و فقیه مشهور را به تفصیل ذکر کرده که ۱. نساء، آیه ۳. ۲. نساء، آیه ۴، خلاف شیخ طوسی، ج ۲، ص ۳۹۴. ۳. نور، آیه ۲۳. ۴. مؤمنون، آیه ۵. ۵. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۷. (۵۷) گفته اند این بخش آیه مربوط به نکاح موقت است، این افراد عبارتند از: - احمد بن حنبل در، مسند ج ۴ / ۴۳۶ - محمد بن جریر طبری در تفسیر جامع البیان، ج ۵ / ۹ - ابو بکر جصاص حنفی در کتاب احکام القرآن. - ابو بکر بیهقی در سنن کبری، ج ۷ / ۲۰۵ - بغوی شافعی در حاشیه تفسیر خازن، ج ۱ / ۴۲۳. - زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۱ / ۳۶۰ - ابو بکر اندلسی در احکام القرآن. - قرطبی در تفسیر قرطبی، ج ۵ / ۱۳ - ابن رشد در کتاب بدایة المجتهد، ج ۲ / ۵۸ - فخر رازی در تفسیر همین آیه. -

نوی شافعی در شرح صحیح مسلم. - بیضاوی شافعی در تفسیر بیضاوی، ج ۱ / ۲۵۹. - علاء الدین بغدادی در تفسیر خازن، ج ۱ / ۳۵۷. - غرناطی متوفای (۷۴۱). - ابو حیان اندلسی متوفای (۷۴۷). - ابن کثیر شافعی متوفای (۷۷۴). - سیوطی در الدر المنثور در تفسیر آیه بیش از ۳۰ حدیث نقل کرده که گویای نزول آیه در باره متعه واصل مشروعیت آن است. - شوکانی متوفای (۱۲۵۰). - سید محمود آلوسی بغدادی، ج ۵ / ۵۸. (۵۸) گفتار شیخ طوسی محمد بن حسن طوسی مشهور به شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق) در تفسیر آیه استمتاع نوشته است: ابن عباس و ابن ابی کعب و ابن مسعود و سعید بن جبیر قرائت کرده اند: "فما استمتعتم الی اجل مسمی" بنابراین مفاد آیه صریح در نکاح متعه می شود، سپس می نویسد: قول به نسخ از راه خبر واحد به ما رسیده آن هم با اختلاف در مدلول، بدیهی است که نسخ قرآن با چنین خبر یا اخبار ثابت نمی شود، گذشته از این، کلام عمر که گفته است: "متعان محللتان علی عهد رسول الله وانا انهی عنهما" بهترین دلیل بر جواز متعه، و استمرار آن در تمامی عصر رسول الله (صلی الله علیه و آله) می باشد. (۱) گفتار طبرسی مفسر معروف امامی ابو علی فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق) نیز آنچه را شیخ فرموده، در کتاب مجمع البیان درج کرده است. وی از تفسیر ثعلبی روایاتی در بقای حکم متعه نقل کرده، یکی از آنها روایتی است از امیر المؤمنین (علیه السلام) که "لولا ان عمر نهی عن المتعه ما زنی الاشقی" (۲). گفتار صافی مفسر و محدث مشهور محمد بن مرتضی ملقب به ملامحسن فیض کاشانی در تفسیر صافی روایتی را از کتاب کافی نقل می کند مبنی بر این که عبد الله بن عمیر ۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۶۶. ۲. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲ بخش تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء. (۵۹) به امام باقر (علیه السلام)، عرض کرد: عقیده شما در باره متعه چیست؟ امام فرمود: "احلها الله فی کتابه وعلی لسان نبیه فهی حلال الی یوم القیامه"، خداوند در قرآن و نیز به زبان پیامبرش آن را حلال کرده است، پس تا روز قیامت ۷ حلال است. "وی گفت: چیزی را که عمر حرام کرده تو حلال می دانی؟ امام فرمود: تو بر قول عمر باش و من هم بر قول پیامبر. همچنین حدیثی را آورده مبنی بر احتجاج امام باقر (علیه السلام) با ابو حنیفه، امام در این مناظره به ابو حنیفه فرمود: متعه، نکاح شرعی است، ابو حنیفه گفت: مگر نکاح، بی میراث می شود؟ امام فرمود: هر گاه مسلمانی زنی از اهل کتاب را به عقد دائم در آورد زن از مرد مسلمان ارث نمی برد در حالی که نکاح شرعی است، پس معلوم می شود توارث در ماهیت نکاح مأخوذ نیست. (۱) ۱. تفسیر صافی، سوره نساء آیه ۲۴، نگارنده مرقوم می دارد: در جواز ازدواج مسلمان با کافر کتابی اختلاف است، این حدیث بیانگر جواز نکاح دائم با ایشان است.

بخش پنجم: بحث روایی

(۶۳) بحث روایی همان گونه که قبلاً گفته شد در کتاب "الدر المنثور" ۳۱ حدیث و در کتاب "وسائل الشیعه" متجاوز از دویست و در کتاب "مستدرک الوسائل" حدود نود روایت که تماماً حاکی از بقای مشروعیت اصل نکاح منقطع و یا خصوصیات و فروعات آن است درج گردیده است و از اخبار عامه به ادعای مرحوم علامه امینی چهل حدیث صحیح و حسن گویای این واقعیت می باشد. چند گفتار از شهید ثانی در باره روایات زین الدین بن علی بن احمد ملقب به شهید ثانی، که از اکابر فقهای امامیه است، در کتاب "شرح لمعه" مقالاتی دارد که عمده آنها ترجمه و از یکدیگر تفکیک شده و در این رساله درج و در اختیار اهل تحقیق قرار داده می شود. ۱- از ضروریات مذهب اهل بیت (علیهم السلام) مشروعیت مستمر نکاح متعه است. بنابراین این نسبت گزارش نسخ آن به امیر المؤمنین که از بعضی اهل سنت به عمل آمده وجهی ندارد. (۶۴) ۲- روایات اهل سنت در باره نسخ مشروعیت متعه متناقض و دارای ضعف سند می باشند لذا قابل اعتماد نیستند و نسخ قرآن با چنین گزارش های واهی ثابت نمی گردد. ۳- بر فرض صحت سند این احادیث و غمض نظر از تناقضات متنی، این اخبار معارض با گزارش های دیگری هستند که خود آنان نقل کرده اند مبنی بر این که جمعی از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) مثل جابر، ابن مسعود، ابن عباس، سلمه بن اکوع، عمران بن حصین، انس بن مالک، حلیت متعه را غیر منسوخ دانسته اند. ۴- ممنوع نمودن عمر امری است که از پیش خود به آن اقدام ورزیده

لذا عملی مردود و غیر قابل اعتماد است. ۵ - گزارش مشهور بین شیعه و سنی مبنی بر این که عمر گفته است: "متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) حلالا. وانا انهی عنهما و عاقب علیهما" دلیلی است بارز بر این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) این عمل را نهی نکرده و گرنه جا داشت منع و زجر را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت دهد تا مردم بپذیرند. ۶ - حکم بن عیینه می گوید از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) منقول است که: اگر عمر نهی از متعه نکرده بود جز افراد شقی گرفتار زنا نمی شدند. ۷ - در صحیح ترمذی آمده که مردی از اهل شام از عبد الله پسر عمر در باره حلیت متعه سؤال کرد وی صریحا حکم به جواز آن داد. مرد شامی گفت: پدرت عمر آن را ممنوع کرده، او گفت: عمل به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای گفته پدرم ترک نمی کنم. ۸ - در پایان می نویسد: روایات امامیه در بقای مشروعیت متعه متواتر یا نزدیک به تواتر است و شگفت این که با وجود جو تقیه و با کثرت این اخبار حتی (۶۵) یک روایت معارض یافت نمی شود. (۱) آمار روایات اهل سنت چنان که مذکور شد سیوطی در کتاب تفسیر "الدر المنثور" حدود ۳۱ روایت از اعلام اهل سنت درج کرده که تماما به طور صریح و یا ظهور عرفی گویای اصل مشروعیت متعه است. علامه امینی در جلد ششم کتاب "الغدیر" فرموده آمار روایات اهل سنت به چهل حدیث می رسد و حدود سی روایت را به تفصیل بیان کرده است که بخشی از آن به شرح ذیل است: ۱ - در "صحیح مسلم" و "جامع الاصول" ابن اثیر و "زاد المعاد" ابن قیم و "فتح الباری" ابن حجر و "کنز العمال" از جابر بن عبد الله انصاری روایت شده است که: "کنا نستمتع بالقبضة من التمر والدقیق الايام علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ابی بکر ثم نهی عنه عمر فی شان عمرو بن حرث" ما در زمان پیامبر با کفی از خرما و آرد اقدام به ازدواج موقت می کردیم تا این که "عمر" در مورد "عمرو بن حرث" آن را ممنوع کرد. (۲) ۲ - در "موطأ" مالک (۳) و کتاب "الام" شافعی (۴) و سنن کبیر بیهقی (۵) درج گردیده. ۱. در کتاب وسائل الشیعه باب اول از ابواب متعه "حدیث ۳۲ چنین آمده است "حرم رسول الله (صلی الله علیه و آله) یوم خیبر لحوم الحمر الاهلیة و نکاح المتعة" سپس صاحب وسائل فرموده: شیخ طوسی و دیگران این حدیث را بر تقیه روائی حمل کرده اند. ۲. الغدیر ج ۶ / ۲۰۵. ۳. ج ۲، ص ۳۰. ۴. ج ۷، ص ۲۱۹. ۵. ج ۷، ص ۲۰۶. (۶۶) که: زنی به نام "خوله بنت حکیم" بر عمر وارد شد و گفت: "ربیعہ بن امیة" اقدام به متعه کرده است، عمر گفت: اگر قبلا از این کار منع کرده بودم او را سنگسار می کردم. (۱) ۳ - در تفسیر طبری و تفسیر ثعلبی و تفسیر رازی و تفسیر ابو حیان و تفسیر نیشابوری و کتاب الدر المنثور از حکم، نقل شده است که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: آیه متعه نساء منسوخ نیست: "ولولا ان عمر نهی عن المتعه ما زنی الا شقی" (۲) اگر ممنوعیت عمر نبود جز افراد شقی کسی مبتلا به گناه زنا نمی شد. ۴ - از "احکام القرآن" جصاص (۳) و "بدایة المجتهد"، ابن رشد (۴) و نهایت بن اثیر و زمخشری و تفسیر قرطبی، مروی است که ابن جریر از ابن عباس نقل کرده است: ما کانت المتعه الا رحمة من الله رحم بها امه محمد (صلی الله علیه و آله) و لولا نهی عمر "لما احتاج الی الزنا الا شفا" (۵) اگر نهی عمر نبود جز اندکی از مردم گرفتار زنا نمی شدند. ۵ - از ابی داود و محمد بن جریر طبری نقل کرده است که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: "لولا ما سبق من عمر بن خطاب لأمرت بالمتعه ثم ما زنی الا شقی". هر گاه نهی عمر نبود من دستور انجام متعه می دادم و در نتیجه جز مردمان شقی و خبیث الفطره کسی به زنا گرفتار نمی شد. (۶) ۶ - از صحیح مسلم و مسند احمد از جابر نقل شده است...: "ازدواج موقت ۱. الغدیر، ج ۶، ص ۲۰۶. ۲. همان، ص ۲۰۶. ۳. ج ۲، ص ۱۷۹. ۴. ج ۲، ص ۵۸. ۵. همان، ص ۲۰۶. ۶. همان، ص ۲۰۷. (۶۷) امری رائج بود علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ابی بکر حتی اذا کان فی آخر خلافة عمر. (۱) ۷ - حدیث معروف عمر "متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و انا انهی عنهما و عاقب علیهما" (۲) که جمع کثیری که نامشان قبلا ذکر شد آن را نقل کرده اند. نگارنده می گوید: این گفتار عمر دلیل محکمی است که متعه نساء در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) رایج بوده و خلفیه دوم اقدام به نسخ آن کرده است. مرحوم علامه امینی می نویسد: بر اساس همین کلام مأمون به جواز متعه عقیده داشت و می خواست آن را به صورت منشوری اعلام کند ولی بعضی از یاران وی او را از این کار منع کردند. (۳) ۸ - قبلا حدیثی نسبت به

رای عمر از صحیح ترمذی و مسند احمد بن حنبل نیز مذکور شد. گفتاری از دلائل الصدق در بحث روایی علامه محقق شیخ محمد حسن مظفر در کتاب "دلائل الصدق" (رد فاضل روزبهان) به طور مفصل بحث کرده و از صحیح بخاری و صحیح مسلم و مسند احمد بن حنبل و تفسیر طبری و کنز العمال و شرح تجرید قوشچی نوزده حدیث که دلالت بر حلیت متعه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد نقل کرده است. ایشان در مورد کلام علامه حلی که فرموده است: "ترمذی جریان حلیت متعه را از عبد الله بن عمر روایت کرده است" می نویسد: آنچه در صحیح ترمذی ۱. همان، ص ۲۰۷. ۲. همان، ص ۲۱۱. ۳. همان، ص ۲۱۱. (۶۸) آمده مربوط به متعه حج است نه متعه نسوان و بعد اظهار می دارد شاید در نسخه های خطی موجود بوده، و هنگام چاپ حذف شده است. نگارنده مرقوم می دارد: آنچه از مطالعات قبلی به یاد دارم مرحوم علامه مجلسی در بحث امامت بحار الانوار نیز اعلام داشته که بعضی از اخبار اهل سنت را که بزرگان مذهب چون سید بن طاوس نقل کرده اند در نسخه های موجود یافت نمی شود و این توطئه مخالفان در جهت حذف اخباری است که به ضرر آنان تمام می گردد. این مرد بزرگ حدود ۳۵۰ سال قبل خطر تحریف کتاب های اهل سنت را پیش بینی کرده و هشدار داده است. ما امروز شاهد اعمال این توطئه هستیم. در داستان رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنچه در نسخ چاپی صحیح بخاری است با آنچه صاحب ملل و نحل و غیر او نقل کرده اند تفاوت چشم گیری وجود دارد. نمونه دیگر در کتاب الامامه و السیاسة ابن قتیبه که در مصر به چاپ رسیده است در باره امتناع امیر المؤمنین (علیه السلام) و هجوم به خانه حضرت زهرا (علیها السلام) و عیادت شیخین و راه ندادن حضرت فاطمه (علیها السلام) و توسل ایشان به امیر المؤمنین (علیه السلام) و جواب ندادن حضرت زهرا (علیها السلام) به سلام ایشان حدود دو صفحه تفصیل مطالب فوق مذکور است در حالی که در چاپ بیروت که از نسخه مصری اخذ شده تمام آن حذف شده و کوچک ترین قرینه ای بر این حذف وجود ندارد. در هر حال روایت عبد الله بن عمر را مطابق آنچه علامه از صحیح ترمذی نقل کرده است از کتاب مسند احمد بن حنبل ج ۲ / ۹۵ و ۱۰۴ و ج ۴۴ / ۴۳۶ روایت نموده اند. (۱) ۱. پاورقی کتاب نهج الحق، ص ۲۸۳.

بخش ششم: متعه در محاسبات عقلی

(۷۱) متعه در محاسبات عقلی فیلسوفان اسلامی، نظام تکوین را نظام احسن و اتم می دانند و می گویند در نظام هستی نقصی نیست و آنچه موجود است با در نظر گرفتن مجموعه هستی به جا و زیباست: جهان چون چشم و خط و خال و ابروست * که هر چیزی به جای خویش نیکوست اندیشمندان و فقیهان نیز می گویند نظام تشریح در اسلام که خاتم ادیان است همچون نظام تکوین، بهترین و کامل ترین نظام قانونی و حقوقی است: "الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی." در نظام تشریح نه عیب است و نه کاستی، حلال و حرام الهی بر اساس ملاکات الزامی و ترخیصی و ناشی از حکمت الهی است و نیاز جامعه در آن به طور جامع الاطراف رعایت شده است. بنابر این با توجه به مشکلات ازدواج دائم که از بدو امر تاکنون رو به افزایش (۷۲) بوده و هست، نسل جوان از زنان و مردان بر سر دو راهی بی عفتی و یا ازدواج موقت قرار دارند بدیهی است که قانون گذار حکیم و آگاه که انبیا را برای هدایت و تربیت بشر مبعوث داشته تا آن که به جامع ترین ادیان یعنی دین اسلام ختم رسالت نموده است، با توجه به این که عفاف را سرلوحه کمالات بشر خوانده "و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی" (۱) هیچ گاه به بی شرمی و هرزگی راضی نمی گردد و غریزه جنسی نسل جوان را با ایجاد بن بست به انحراف نمی کشاند، بنابر این لطف و رأفت و رحم و عطوفتش اقتضا دارد با تشریح ازدواج موقت از انحراف نسل جوان و افراد ناکام جلوگیری و مشکل آنان را چاره جویی کند. ۱. نازعات / ۴۰ و ۴۱.

بخش هفتم: استنتاجات فقهی

(۷۵) استنتاجات فقهی در امر اول از کلیات مقدماتی مذکور شد که استمرار حلیت متعه نزد شیعه از ضروریات مذهب شناخته می شود و پر واضح است که احکام ضروری نیاز به بحث ندارد ولی برای رفع شبهات و اسکات مخالفان و پاسخ از ادله آنان این بحث مطرح می شود و چون منابع فقهی ما کتاب و سنت و اجماع و عقل می باشد در این کتاب بر هر یک از این منابع به طور فشرده استدلال می شود. استدلال به قرآن مجید در بخش "متعه در قرآن" گفته شد علاوه بر آیه ۲۴ سوره نساء "فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن" (زنانی را که به متعه خود در آورده اید مهر آنان را بپردازید). هر یک از آیاتی که برای مشروعیت نکاح دائم به آنها استناد می شود برای مشروعیت متعه هم به آنها استدلال می کنیم، زیرا نکاح متعه از اقسام ازدواج شناخته می شود. تفصیل این آیات در بحث قرآنی ذکر گردید. (۷۶) استدلال به روایات عامه و خاصه قبلا- در بحث روایی، آمار روایات عامه و خاصه که دلالت بر اصل مشروعیت و یا استمرار و خصوصیات متعه دارد بیان شد، در این جا باز برای انس اذهان تکرار می شود. روایت های عامه در کتاب های "الدر المنثور" سیوطی ۳۱ حدیث "صحیح مسلم" بیش از ۱۵ حدیث "الغدیر" حدود ۳۰ حدیث "دلائل الصدق" ۱۹ حدیث. و نیز بیان شد که علامه امینی فرموده چهل حدیث صحیح و حسن در کتاب های عامه که بر حلیت متعه و یا استمرار آن دلالت دارند در دسترس هست. و اما روایات امامیه در کتاب "وسائل الشیعه" متجاوز از دویست حدیث و در کتاب "مستدرک الوسائل" حدود نود حدیث است. طبق مقدمه ای که در اول بحث روایی طرح شد روایات امامان شیعه به عنوان راویان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر تمام مسلمین حجت است، بنابراین برای انسان منصف با اندک تأمل در این روایات، جواز و استمرار آن قطعی می گردد. بررسی کوتاه در روایات امامیه قبلا آمار اجمالی روایات امامیه را بیان کردم، در این قسمت بعضی از آنها را برای تیمن و تبرک مرقوم می دارم: (۷۷) صاحب وسائل الشیعه (محمد بن حسن حر عاملی) در چهار باب اول کتاب متعه ۶۴ حدیث را درج نموده که برخی از آنها را می آوریم: ۱- صدوق به اسناد خود از عبد الله بن سنان از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: "ان الله حرم علی شیعتنا المسکر من کل شراب و عوضهم من ذلک المتعۃ" (۱). ۲- "قال وقال الصادق (علیه السلام) لیس منا من لم یومن بکرتنا (ای الرجعة) ولم یستحل متعتنا. (۲) ۳- صدوق به اسناد خود از بکر بن محمد از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده "انی لا کره للرجل المسلم ان یخرج من الدنیا وقد بقیت علیه خلۃ من خلال رسول الله (صلی الله علیه و آله) لم یقضها" (۳). ۴- شیخ مفید از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده "ما احب للرجل منکم ان یخرج من الدنیا حتی یتزوج المتعۃ ولو مره" (۴). ۵- و در حدیث دیگر امام به محمد بن مسلم فرمود: "لا تخرج من الدنیا حتی تحیی المتعۃ" (۵) ۶- در حدیثی امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: هر گاه کسی به عنوان مخالفت با تحریم کننده متعه زنی را به عقد انقطاعی در آورد و قصدش جلب رضایت خدا باشد (نه هوسرانی) به هر کلمه ای که با آن زن سخن بگوید برایش حسنه نوشته است. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۸. ۲. همان، ص ۴۳۸. ۳. همان، ص ۴۴۳. ۴. همان، ص ۴۴۳. ۵. همان، ص ۴۴۳. (۷۸) می شود. (۱) ۷- امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده است: "لولاما سبقنی به عمر بن الخطاب ما زنی الا شقی" (۲). ۸- "ان رسول الله (صلی الله علیه و آله) احل المتعۃ ولم یحرّمها حتی قبض". (۳) استدلال به اجماع صرف نظر از بحث های اصولی که آیا اجماع، دلیل مستقلی است - چنان که عامه گفته اند - و یا برگشت به سنت معصوم می کند - چنانچه امامیه معتقدند - وهم چنین با صرف نظر از این که برخی از اجماعات، مدرکی هستند، کلام صاحب جواهر را در این مقام می آورم. این فقیه بزرگوار فرموده است: "اما الاجماع من الطائفة المحققة فهو واضح بل هو من ضروریات مذهبهم و اما من غیر هم فلا تفاق الصحابة و من کان فی صدر الاسلام علی اباحتها و شرعيتها كما یظهر من اخبار جابر و غیرها حتی ما روی عن المحرم نفسه (یعنی عمر) فانه یدل علی ان الحکم بالحل کان شایعا معروفا فی زمان النبی (صلی الله علیه و آله) و مدۃ خلافۃ ابی بکر و برهۃ من خلافته فالقول بالتحریم بعد ذلک مخالف لاجماع الامۃ التي لا تجتمع علی ضلاله". (۴) مقصود این فقیه محقق، این است که اجماع بر مذهب عامه دلیلی است مستقل و برخاسته از حدیثی که آن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اسناد می دهند مبنی بر این که امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر خطا و اشتباه اتفاق نخواهند

داشت و چون بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله) تماما ۱. همان، ص ۴۴۲. ۲. همان، باب اول از ابواب متعه. ۳. همان، باب اول از ابواب متعه. ۴. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۴۹. (۷۹) بر جواز متعه بودند معلوم می شود استمرار جواز وحلیت آن امری حق و موافق با اراده خداوند بوده و هر گونه مخالفت بعد از آن مبارزه با حق و مخالفت با اراده ربوبی است و در نتیجه محکوم به بطلان است. استدلال به حکم عقل در باره حکم عقل از دو راه می توان برهان اقامه کرد: الف - روشی است که سید مرتضی در کتاب انتصار و ابن ادریس در سرائر اقامه نموده اند. متن کلام ایشان چنین است: "قد ثبت بالدلّة الصحیحہ ان کل منفعة لا ضرر فیها فی عاجل ولا فی آجل مباحة بضرورة العقل وهذه صفة نکاح المتعة فیجب اباحتها باصل العقل." (۱) نگارنده مرقوم می دارد: این بیان به قاعده "قبح عقاب بلا بیان" بازگشت می کند که نتیجه آن آزادی عمل می باشد. بنابر این هر گاه در ادله دیگر خدشه کنیم و دلیل معتبر بر حرمت نداشته باشیم به حکم قاعده "قبح عقاب بلا بیان" آزادی عمل داریم. ولی این طریق به نظر نگارنده مخدوش است، زیرا چنان که در مقتضای اصل بیان شد استصحاب حرمت قبل العقد مفید حرمت است و با وجود استصحاب، عقل حکم به آزادی عمل نخواهد داشت. ب - عبارت از ضرورت تشریح است که مفصل در باره آن بحث شد و ثابت کردیم کامل ترین ادیان که دین مقدس اسلام است باید بن بست ها را بشکنند و نیازها را در تمام زمینه ها تأمین سازد و بشر را در مسیر تربیت و هدایت با وضع قوانین مربوط به کمال مطلوب برساند. بدیهی است که رفع نیازهای جنسی قشر ۱. کتاب انتصار، ص ۱۰۹ و سرائر، ج ۳، ص ۶۱۸. (۸۰) جوان با وجود صدها مشکلی که ازدواج دائم داشته و دارد و هر روز این مشکلات رو به فزونی است، وضع ازدواج موقت و تشریح آن را می طلبد و اهمال در این امر از مصادیق ظلم تلقی می شود. این روش استدلال از راه بیان عقلی است که با وجود آن قطع به حسن تشریح و قبح اهمال آن پیدا می کنیم و با وجود دلیل قطعی عقلی راه برای استصحاب نیست، به خلاف روش اول که از راه اباحه عقلی و آزادی عملی بر اساس عدم بیان بر عقوبت است. در عبارت سید مرتضی کلام دیگری است که مقصود او را به آنچه گفتیم مسجل می کند و آن عبارت این است: "فان قيل من این لکم نفی المضرة عن هذه النکاح فی الاجل والخلاف فی ذلک قلنا ان من ادعی ضررا فی الاجل فعلیه الدلیل ولا دلیل قاطع یدل علی ذلک." این کلام، صریح است در آن که مرحوم سید از راه عدم الدلیل، اقامه برهان کرده نه از راه احساس ضرورت تشریح که روش دوم است و روح آن حسن لزوم تشریح و قبح اهمال و سکوت است. نگارنده می گوید: گرچه بزرگانی چون شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء و استاد متفکر شهید آقای مطهری و نویسندگان تفسیر نمونه به این وجه استدلال کرده اند و این جانب نیز آن را به صورت فنی در آوردم ولی به هر حال خالی از اشکال نیست، چون به سرحد درک قطعی ملا-ک حکم نمی رسد (۱)، بلکه بر اساس معیارهای مخالفان و منابع فقهی اهل رأی و استحسان به صورت یک دلیل جدلی ۱. در روش دوم اساس استدلال درک قطعی عقل بر ظلم بودن اهمال و عدل بودن تشریح متعه است که در واقع احراز صغرای قاعده حسن و قبح است بر خلاف روش اول که مقصود از آن ارشاد به کبرای عقلی (قاعده قبح عقاب بلا بیان) است و صغرای آن قاعده امری مفروض و محسوس است. (۸۱) قابل ارائه است. نقد دلایل مخالفان اهل سنت برای ممنوعیت متعه به اموری استدلال کرده اند: نخستین دلیل جمعی از ایشان، قرآن مجید است. آنان گفته اند آنچه از قرآن استفاده می شود انحصار رفع نیاز جنسی به نکاح و ملک یمین (مالک کنیز) است و هر چه خارج از این دو باشد زنا قلمداد می گردد و به نص قرآن حرام و دارای عقوبت است. در بخش "متعه در قرآن" به تفصیل به این گفتار پاسخ داده شد. چکیده آن این است که "متعه" از اقسام نکاح است و آنان نیز به عنوان ازدواج موقت از آن تعبیر کرده اند. در اینجا بیش از این مقدار ادامه بحث ضرورت ندارد. دلیل دوم: اهل سنت به روایاتی استناد کرده اند که مفاد آنها نسخ حلیت متعه توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله) است. با تتبعی که این جانب در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و نسائی و کتاب الدر المنثور انجام دادم آمار این روایات حدود ۲۵ حدیث است. در کتاب صحیح بخاری دو حدیث است که هر دو را به امیر المؤمنین (علیه السلام) نسبت می دهد و در یکی آمده است: "ان النبی نهی عن المتعة وعن الحمر الالهیة زمن الخیر" و در دیگری آمده "قال ابو عبد الله وینه علی عن النبی انه منسوخ." (۱) در کتاب

صحیح مسلم هفده حدیث است به شرح ذیل: - از سلمه در جنگ اوطاس - از سبره در فتح مکه - از سبره بدون تاریخ ۱. صحیح بخاری. (۸۲) - از سبره در مکه - از سبره بدون تاریخ - از سبره در فتح مکه - از سبره بدون تاریخ - از علی بدون تاریخ - از علی در جنگ خیبر (۱) - از سبره بدون ذکر زمان - از سبره در فتح مکه - از سبره در مکه - از سبره در فتح مکه - از سبره بدون تاریخ - از علی روز خیبر - از علی در جنگ خیبر در کتاب صحیح ابو داود (۲) دو حدیث به این شرح ذکر شده است: - از سبره در حجة الوداع - از سبره بدون ذکر خیبر در شرح کتاب صحیح مسلم از " نووی " در بحث کتاب نکاح آمده است: - نووی از علی در جنگ تبوک ۱. صحیح مسلم، کتاب نکاح به شرح نووی. ۲. سنن ابو داود، کتاب نکاح، ج ۱، ص ۳۲۴. (۸۳) - نووی از حسن بصری در عمرة القضا - در کتاب الدر المنثور از ابن عباس - الدر المنثور از سعید بن مسیب - الدر المنثور از ابن مسعود - الدر المنثور از عمر بنابر این از " سلمه " یک حدیث، از " سبره " سیزده حدیث و از امیر المؤمنین (علیه السلام) شش حدیث و از هر یک از ابن عباس، سعید بن مسیب و ابن مسعود و عمر یک حدیث وارد شده است. روایات منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام) و ابن عباس و سعید و ابن مسعود و سلمه، مخالف با روایات بسیاری است که حلیت و استمرار آن را به آنان نسبت داده اند، خاصه امیر المؤمنین (علیه السلام) که تواتر و ضرورت بر طرفداری ایشان از جواز متعه است. و اما روایات " سبره " تماما به فرزندش ربیع منتهی می شود و او را کسی توثیق نکرده و مضامین آنها نیز با هم معارض است. و بر فرض چشم پوشی از این دو اشکال، این روایات مخالف است با روایات متواتره امامیه و روایات کثیره دیگر که گویای عدم نسخ نبوی است و هم چنین روایات دیگری که منقول از حسن بصری است و آنچه احيانا از دیگران در دست می باشد. و اما روایتی که از عمر نقل شده مخالف است با فرمان مشهور و قطعی الصدور وی که گفته دو متعه در زمان پیامبر حلال بود و اجرا می شد من آنها را حرام می کنم و مرتکب آن را عقاب می نمایم. (۸۴) گفتار مرحوم آیه الله سید عبدالحسین شرف الدین در این جا لازم دانستم گفتار یکی دیگر از بزرگان امامیه را نقل کنیم: ۱ - مرحوم آیه الله شرف الدین در کتاب " فصول المهمة " نوشته است که اهل قبله متفق اند که متعه حج و متعه نساء در دین اسلام مشروع بوده و این امر از ضروریات اسلام است. ولی در استمرار حکم آن اختلاف شده است. در بخش اخبار فرموده نصوص در اصل مشروعیت به حد تواتر است و نسبت به استمرار جواز آن احادیث امامیه نیز در حد تواتر است و احادیث بسیاری از اهل سنت بر آن دلالت دارد. و احادیثی که بر منع دلالت دارد بعد از خلیفه دوم و برای توجیه عمل او ساخته شده است. ایشان در بخشی از گفتار خود می نویسند: عبد الله بن عمر فتوا به استمرار جواز متعه نساء داده است. شخصی از اهل شام به او گفت که پدرت آن را ممنوع ساخت. عبد الله جواب داد: سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای گفته پدرم رها نمی کنم. و در آخر گفتار خود می گوید: مأمون فرمان داد که آزادی متعه را به صورت منشور عمومی بخشنامه کنند ولی " یحیای اکثم " او را از این امر منصرف نمود. استدلال اهل سنت به اجماع صحابه و نقد آن توسط صاحب جواهر اهل سنت برای تحریم متعه به اجماع صحابه استناد کرده اند و گفته اند بعد از نهی عمر، اجماع بر تحریم آن منعقد گردیده است و تمام صحابه و تابعین تسلیم ممنوعیت آن شده اند، فقط ابن عباس مخالف بود که او هم در آخر عمرش توبه کرد و حرمت آن را پذیرفت. صاحب جواهر پاسخ داده است که: در مسأله، اجماعی بر منع نداریم، زیرا اتفاق اهل بیت (علیهم السلام) بر بقای جواز است و اجماع شیعه و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر (۸۵) آن است علاوه بر آن، جمع زیادی از اعظام صحابه و تابعین، تسلیم ممنوعیت عمر نشده اند سپس اسامی این گروه را به شرح ذیل نام می برد: - ابن عباس - ابن مسعود - ابن ابی کعب - جابر - ابی سعید خدری - سلمه بن اکوع - مغیره بن شعبه - مجاهد - عطا - طاوس یمانی - مطرف - زهری - سدی - مسلم در صحیح - ابن الحسن علی بن زید - معاویه - عبد الله بن عمر - ربیعه بن امیه - سلمه بن امیه (۸۶) - صفوان بن امیه - معلی بن امیه - براء بن عازب - ربیع بن میسره - سهل بن سعد ساعدی - حسن بصری - ابراهیم نخعی - سعید بن مسیب - ابن جریح - عمر بن دینار - مالک - ابن حنبل من الفقهاء (۱) ۱. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۰ - ظاهرا " صفوان بن امیه " اشتباه باشد.

بخش هشتم: آثار تربیتی متعه

(۸۹) آثار تربیتی متعه مرحوم استاد آیه الله شهید مطهری بعد از طرح برخی از مشکلاتی که بر سر راه ازدواج دائم است می گوید: از شما می پرسم آیا با این حال با طبیعت و غریزه چه باید کرد؟ آیا طبیعت حاضر است به خاطر این که وضع زندگی ما در دنیای امروز اجازه نمی دهد که در سنین شانزده سالگی و هجده سالگی ازدواج کنیم دوران بلوغ را به تأخیر بیندازیم و تا ما فارغ التحصیل نشدیم غریزه جنسی از سر ما دست بردارد؟ آیا جوانان حاضرند یک دوره رهبانیت موقت را طی کنند و خود را سخت تحت فشار و ریاضت قرار دهند تا زمانی که امکانات ازدواج دائم پیدا شود... دو راه بیشتر باقی نمی ماند: یا این که جوانان را به حال خود رها کنیم و بروی خود نیاوریم. به یک پسر اجازه دهیم از صدها دختر کام بگیرد و به یک دختر اجازه دهیم با ده ها پسر رابطه نامشروع داشته باشد و چندین بار سقط جنین کند... آیا چنین پسران و دخترانی با چنین روابط فراوان... مرد زندگی وزن خانواده خواهند بود؟ راه دوم ازدواج موقت و آزاد است. ازدواج موقت در درجه اول زن را محدود (۹۰) می کند که در آن واحد زوجه دو نفر نباشد. بدیهی است که محدود شدن زن مستلزم محدود شدن مرد نیز خواهد بود (از جهت بعد عاطفی). در بخش دیگر از سخنان خود می گوید: این ضرورت اختصاص به زمان تحصیل ندارد در شرایط دیگر نیز پیش می آید، اصولاً ممکن است زن و مردی که خیال دارند با هم به طور دائم ازدواج کنند و بخواهند نسبت به یکدیگر اطمینان کامل پیدا کنند به ناچار به عنوان ازدواج آزمایشی برای مدت موقت با هم ازدواج کنند... (۱) بعضی از فلاسفه غرب (راسل و غیر او) پیشنهاد می کنند، تربیتی به نام ازدواج رفاقتی داده شود... اینان پی برده اند: ازدواج دائم وافی به همه احتیاجات نیست. (۲) نگارنده مرقوم می دارد: طبق روایت مشهوری که شیعه و سنی نقل کرده اند امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: "اگر خلیفه ثانی متعه را منع نکرده بود غیر از افراد شقی گرفتار زنا نمی شدند." این کلام مولی بیانگر اثر گسترده تربیتی متعه است. یکی از مراجع بزرگ تقلید در سی سال قبل به مناسبتی فرمودند: می خواستم یک مؤسسه منظمی برای انجام ازدواج موقت تأسیس کنم تا مشکل جوانان و افراد ناکام با ترتیب خاص و آبرومند، حل شود اما دوستان مانع شدند و گفتند گرفتار جو سازی می شوید. بسیاری از جنایات هولناک که امروزه در کشور ما واقع می شود ناشی از متروک بودن و ننگ و عار دانستن این سنت اسلامی است، زیرا راه برای ازدواج ۱. در فصل پایانی کتاب طرفداری قانون مدنی ژاپن از ازدواج آزمایشی یک ماهه خواهد آمد. ۲. نظام حقوقی زن در اسلام، ص ۲۰ - ۳۴. (۹۱) دائم مسدود و استفاده از ازدواج موقت متروک و مهجور است، مراکز فحشا و منکرات که در زمان سابق بود بر اساس رعایت موازین اسلامی تعطیل شده است قهراً فشار غریزه در افرادی که از تقوای کافی برخوردار نیستند ایجاد انفجار می کند، آنها را به زنا، لواط، آدم ربائی و قتل می کشاند و حداقل گرفتار گناه استمنا می کند. برای این که شاهدی بر این مدعا بیاورم به دو مورد اشاره می کنم: دو جنایت هولناک مورد اول: در زمانی که این جانب رئیس دادگستری قم بودم گزارش دادند بچه ای را کشته و جسدش را در پشت بام خانه یکی از افراد مورد اعتماد انداخته اند. بازپرس هوشمندی داشتم وارد صحنه پیگیری شد. او گفت لباسهای مقتول خیس بود و نیمی از برگ یک بوته اسفند به آن چسبیده بود. پشت بام های اطراف را گشتم تا بوته اسفند را در کنار راه پله یکی از منازل پیدا کردم. معلوم شد این منزل مربوط به پیرزنی است که خود به مسافرت رفته و منزل را به یکی از نوادگان خود که یک جوان سرباز و وظیفه است سپرده، فوراً وی را دستگیر کردم در بازجویی اقرار کرد که در اثر فشار شهوت با دوستم پسر بچه ای (مقتول) را فریب داده او را به داخل منزل برده و بعد از گناه لواط برای این که رسوا نشویم وی را کشته، جنازه اش را ابتدا به منبع آب انداختیم و بعد شبانه از منبع خارج کرده، بر بام یکی از همسایه ها نهادیم. مشخص شد هر دو نفر جوان مجرد و سر باز می باشند که در اثر فشار جنسی کارشان به این جا کشید و سر انجام اعدام شدند. مورد دوم: جوانی را دستگیر کردند که با هشت دختر بچه زیر نه سال آمیزش (۹۲) جنسی داشته است. در تحقیقات مشخص شد که در اثر فشار عزوبت در یکی از مناطق فقیر نشین قم در منازل نیمه ساز در روزهای تعطیل

مثل جمعه به صورت کارگر در می آمده و در حالی که یک ظرف خالی به دست داشته به دختر بچه ها پیشنهاد می کرده این ظرف را ببرید و قدری یخ برای من بیاورید دختران معصوم را به این بهانه فریب داده و آنها را به زیر زمین می برده و با آنان به عنف آمیزش جنسی برقرار می کرده است. سرانجام محکوم به اعدام و با شمشیر او را گردن زدند. من از دلسوختگان جامعه و از پیروان مذاهب اربعه می پرسم: اگر ازدواج موقت به صورت آبرومند در جامعه بود این جوانان گرفتار این جنایات می شدند؟ مشکل جامعه با هوچی گری و جوسازی و سخت گیری حل نمی شود. آنان باید در افکارشان تجدید نظر نمایند و به فقه اهل بیت چنگ بزنند و جامعه را از باتلاق فحشا نجات دهند. من عقیده دارم سرانجام علمای حقوق و دانشمندان دلسوز و مدیران عاقل، اذعان خواهند کرد که جز فقه تشیع مشکل گشایی نخواهیم داشت. جلوگیری از هوسرانی تشریح متعه برای رفع نابسامانی های جامعه هست نه برای حرم سراسازی، هوسرانی و عیاشی مرفهان، این است که ائمه ما با تمام صلابتی که در طریق احیای سنت نبوی داشتند و در بیان حکم متعه تقیه نمی کردند (۱)، به اصحاب خود اجازه ۱. در این که ائمه (علیهم السلام) در بیان حکم متعه زنان تقیه نمی کرده اند نگارنده اعتماد به کلام (علامه کاشف الغطا در کتاب اصل الشیعه ص ۱۷۴) نمودم، ایشان فرموده: "ومن طرقنا الوثیقه عن جعفر الصادق (علیه السلام) انه كان يقول: ثلاثة لا اتقى فيهن احدا: متعه الحج و متعه النساء و المسح على الخفين" "لکن هر چه در کتاب وسائل و مستدرک فحوص کردم به این حدیث بر خورد نکردم در کتاب وسائل در باب = (۹۳) هوسرانی نمی دادند. علی بن یقطین (یکی از وزرای هارون و بزرگان امامیه) از حضرت کاظم (علیه السلام) اجازه متعه خواست. امام (علیه السلام) فرمود تو را با نکاح متعه چه کار و حال آن که خداوند از آن بی نیازت کرده است. (۱) مکروه بودن متعه دوشیزگان محقق حلی فرموده است: "ویکره ان يتمتع بیکر، فان فعل فلا يفتضها" "مکروه است دوشیزگان را متعه کردن و اگر این امر واقع شد سعی شود نزدیکی به عمل نیاید) (۲). صاحب جواهر فتوای محقق را تأیید کرده و می نویسد: این حکم شامل دختران بی پدر هم می شود و بعد برای اثبات مدعای خود به چند حدیث استدلال می کند. یکی از آنها حدیثی است از امام صادق (علیه السلام) که فرموده: "یکره للتعيب على أهلها" "متعه دوشیزگان مکروه است چون شخصیت خانوادگی آنان زیر سؤال می رود). با توجه به آن چه در این بخش گذشت فکر می کنم جایی برای اشکال و میدانی برای سؤال و بهانه ای برای ایراد باقی نمی ماند. اشکال تراشان چون به فقه ما آشنا نیستند و به روایات اهل بیت (علیه السلام) آگاهی ندارند می گویند متعه عار است و گاهی نیز می گویند میدانی است برای هوسرانی و گاهی می گویند دنیا نمی پسندد و گاهی می گویند موجب سوء استفاده می شود و امثال این مطالب که با طرح بحث به شکل صحیح، تمامی این اشکال ها خود به خود بر طرف می شود. = ۲۵ از ابواب امر بمعروف و نهي از منکر حدیث این چنین است ثلاثة لا اتقى فيهن احدا: شرب المسكر و المسح على الخفين و متعه الحج" (وسائل، ج ۱۱، ص ۴۶۹). ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۹. ۲. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۶۰.

بخش نهم: دعوت به انصاف و پیدا کردن راه اتحاد

(۹۷) دعوت به انصاف و پیدا کردن راه اتحاد انصاف این است که متعه در زمان پیامبر تا بخشی از خلافت عمر امری مشروع و مورد قبول بوده و دلیل معتبری بر نسخ آن از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود ندارد. ولی در خلافت عمر این عمل ممنوع شد. دلیل آن را بعضی مشاهده فرزندى از راه متعه برای خواهر او دانسته اند و بعضی اقدام "عمرو بن حرث" را ذکر کرده اند و ممکن است جریانات دیگری نیز بوده که خلیفه را عصبانی کرده و به منع از این عمل واداشته است. با قطع نظر از این که آیا والی مسلمین بدون کارشناسی خبرگان و به مجرد صلاح دید خود می تواند اقدام به ممنوعیت حکم شرعی کند با توجه به این که معنا و مفاد نهی حکومتی، نسخ حکم و لغو نمودن آن نیست بلکه جلوگیری از اجرای قانون برای مدت خاصی است که شرایط ویژه آن عصر حکومت را گرفتار بن بست می سازد، قهرا بعد از عوض شدن شرایط و یا پی بردن حاکم به اشتباه خود و یا با آمدن حاکم

دیگر این ممنوعیت برداشته می شود و حکم شرعی به قوت خود (۹۸) باقی و قابل اجرا خواهد بود. (۱) در بعضی از روایات ما نیز به چشم می خورد که امام معصوم با تمامی صلابتی که در اعلام بقای حکم متعه داشته است به عمار و سلیمان بن خالد فرموده نسبت به شخص شما آن هم در مدینه حکم به منع می کنم. (۲) نظیر آن حکم به ممنوعیت دخانیات توسط میرزای شیرازی و یا حکم به ممنوعیت حج توسط مرحوم آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی در جریان ابو طالب یزدی (۳) و یا ممنوع ساختن سفر حج از طرف مرحوم امام راحل در جریان کشتار حجاج ایرانی است. تمامی این ممنوعیت ها منع حکومتی است که جلوگیری از اجرای یک قانون برای مدت خاصی است. بر این اساس می توان به تمام نزاع ها خاتمه داد و کار خلیفه را مختص به زمان او دانست و بعد از او وجهی برای ممنوعیت وجود ندارد، لذا جمع زیادی از فقها بر جواز آن فتوا داده اند حتی به مالک و احمد بن حنبل هم این نسبت را داده اند. بر این اساس علاوه بر اشکالاتی که بر خلیفه ثانی وارد کرده اند اشکال بر پیروان مذاهب اربعه نیز وارد است که بین نسخ حکم با نهی حکومتی و سیاسی فرق نگذاشته و راه خلیفه را بی جهت ادامه داده و منشأ اختلاف ها گردیده اند. ۱. در روایتی که مرحوم ربانی در ذیل صفحه ۴۴۱ جلد ۱۴ وسائل از نوادر احمد بن محمد بن عیسی آورده خلیفه دوم خود به این واقعیت اعتراف کرده است. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۰. ۳. ابو طالب یزدی در حال طواف دچار تهوع (قی کردن) می شود، پلیس سعودی وی را به اتهام آلوده کردن عمدی کعبه دستگیر و تحویل محاکم قضائی می دهد دادگاه او را به اعدام محکوم کرده و حکم صادره در باره او اجرا می شود. (۹۹) گفتار آیه الله مطهری مسلمانان اتفاق و اجماع دارند که در صدر اسلام ازدواج موقت مجاز بوده است... و هم چنین مورد اتفاق مسلمانان است که خلیفه دوم در زمان خلافت خود نکاح منقطع را تحریم کرد. توجیه صحیح کار خلیفه همان است که علامه کاشف الغطاء بیان کرده، خلیفه از آن حیث به خود حق داد این موضوع را قدغن کند، چون تصور می کرد این مسئله در حوزه اختیارات ولی امر مسلمین است. به عبارت دیگر نهی خلیفه، نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی. سپس می نویسد. نظر علامه کاشف الغطاء ناظر به درستی و نادرستی کار خلیفه نیست، بلکه فقط ناظر به این است که آن چه در آغاز صورت گرفت با این نام و این عنوان بود و به همین جهت مواجه با عکس العمل مخالف از طرف عموم مسلمین نگردید (۱). ۱. نظام حقوق زن در اسلام ص ۴۹.

بخش دهم: چند فایده مهم

(۱۰۳) چند فایده مهم ۱ و ۲ - معجزه ای از حضرت جواد (علیه السلام) و یادی از محدث قمی مرحوم محدث قمی (متوفای ۱۳۵۹ ق) که به یک واسطه از مشایخ روایی نگارنده محسوب می شود از شیخ کشی داستانی را که خلاصه آن به شرح ذیل است نقل می کند: احمد بن علی بن کلثوم سرخسی از شخصی که نامش ابو زینبه (از اصحاب امامیه) است نقل کرده که ما هفت نفر بودیم در بغداد در یک اتاق زندگی می کردیم. یکی از این افراد "احکم بن بشار مروزی" بود. روزی "احکم" از عصر تا شب ناپدید شد. شبانگاه توقیعی از امام جواد (علیه السلام) آمد که در آن نوشته بود "احکم" به وسیله مخالفان مذبح گشته و او را در نمد پیچیده و در خرابه ای (که مشخص فرموده بود) انداخته اند. بروید او را بیاورید و با داروی مخصوصی که نام برده بود معالجه کنید. ما رفتیم همان طور که آقا فرموده بود "احکم" را پیدا کردیم و به معالجه اش اقدام نمودیم تا سالم شد. از وی داستان را پرسیدیم مشخص شد وی را به جرم انجام (۱۰۴) متعه درون یکی از منازل بغداد مورد هجوم قرار داده و با کارد، گردن وی را به مقداری که یقین داشته اند هلاک شده بریده سپس در نمد پیچیده و به خرابه انداخته اند. راوی گفت آثار بریدگی گردن در وی نمایان بود چند بار پرسیدیم جواب نداد سر انجام داستانش را از ابو زینبه شنیدیم. (۱) ایشان پس از نقل این ماجرا می فرماید: استحباب متعه نزد شیعه ثابت است بلکه از امام صادق (علیه السلام) مروی است: از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد و متعه را حلال نداند. سپس می نویسد: روایات بسیار در استحباب متعه وارد گردیده است. و در بخش دیگری از کلام

خود می فرماید: حضرت هادی (علیه السلام) به بعضی از شیعیان نوشت: در امر متعه اصرار نورزید آنچه بر شماست اقامه سنت و مخالفت با بدعت است نه پیگیری و اصرار در این کار به حدی که باعث تنفر و اعراض از زن و بیچه شود و سر انجام منجر به بدبینی و نفرین به ما خاندان رسالت گردد (۲). نگارنده مرقوم می دارد: از مجموع روایات استفاده می شود که ترغیب در امر متعه در موارد خاصی است که ضرورت اجتماعی به آن بستگی دارد و یا به عنوان مخالفت با بدعت انتخاب می شود نه برای عیاشی و هوسرانی.

۱. حسین بن حمدان حنینی در کتاب هدایه از علی بن محمد قمی در حدیثی نقل می کند که: هدایائی را از قم برای حضرت هادی (علیه السلام) به سامرا بردم قبل از آن که خدمت امام برسم قاصدی از طرف حضرت آمد که هر چه زودتر با هدایایی که آوردی برگرد و در سامرا نمان، اگر نروی گرفتار می شوی، شب ماندم و توسط پیرزنی زن جوانی را متعه کردم نیمه شب مامورین به منزل ریختند من را دستگیر و هدایا را مصادره کردند، در اثر نافرمانی از امام شش ماه در زندان محبوس شدم بعد از شش ماه قاصدی از طرف امام آمد که امروز آزاد می شوی به شهر برگرد همان روز آزاد شدم و برگشتم " اثبات الهداء باب معجزات امام هادی، و کتاب جزا اعدا امام هادی، ص ۱۳. " ۲. منتهی الآمال بخش دلائل با هرات حضرت جواد (علیه السلام). (۱۰۵) ۳ - گفتاری از روزبهان بر خلاف تاریخ قطعی در کتاب دلائل الصدق از فاضل روزبهان نقل شده: مالک بن انس، مؤسس مذهب مالکی، شاگرد عبد الله بن عمر و ابو حنیفه شاگرد عبد الله بن مسعود است و بعد نتیجه می گیرد: اگر عبد الله بن عمر و ابن مسعود قائل به حلیت متعه بوده اند چه طور بر شاگردانشان مخفی مانده است. نگارنده می گوید: این نظر بر خلاف تاریخ مسلم است، زیرا عبد الله بن عمر در سال ۷۳ در گذشته و مالک در سال ۹۳ به دنیا آمده است و همین طور مرگ ابن مسعود در سال ۳۲ می باشد و ابو حنیفه در سال ۸۰ به دنیا آمده است. ۴ - بررسی قوانین موضوعه " قانون مدنی ایران " ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی و بعضی دیگر از مواد آن مربوط به نکاح موقت است. دکتر سید حسن امامی در شرح آن نوشته است: نکاح منقطع چنان که از دوران نبوت مجاز بوده است در ادوار بعد نیز مجاز می باشد. (۱) دکتر سید مصطفی محقق داماد نوشته است: چنین تأسیسی در قوانین سائر کشورها وجود ندارد.... این قانون از جمله قوانین درخشان اسلام است که به منظور شکل بخشیدن به روابط آزاد زن و مرد و جلوگیری از روابط نامشروع و حفظ وصیانت جامعه از ۱. حقوق مدنی، ج ۵، ص ۹۹. (۱۰۶) فحشا جعل گردیده است. (۱) قانون مدنی ژاپن در قانون مدنی ژاپن در رابطه با زن و مردی که می خواهند با یکدیگر ازدواج دائم نمایند برای درک یکدیگر و احراز هماهنگی، ازدواج آزمایشی یک ماهه اجازه داده شده. در این ازدواج اکثر آثار ازدواج دائم بار می شود، اگر فرزندی به وجود آید در صورت انجام ازدواج دائم ملحق به زوجین است و اگر ازدواج دائم انجام نشد ملحق به مرد می شود. (۲) قانون مدنی فرانسه در قانون مدنی فرانسه ازدواج از نظر مدت و مهریه تابع قرارداد زوجین است نظیر متعه در اسلام (۳). ۵ - جریانی از تفسیر ابو الفتوح در تفسیر ابو الفتوح رازی در ضمن تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء آمده است: عبد الله بن زبیر، ابن عباس را در باره جواز متعه سرزنش کرد. ابن عباس فرمود: چیزی را وسیله سرزنش قراردادی که از همان (متعه) به وجود آمدی. ابن زبیر گفت: از کجا؟ وی پاسخ داد: با پدرت در دکانی ایستاده بودم مادرت از آن جا عبور کرد، ۱. حقوق خانواده، ص ۲۱۱. ۲. دکتر محسن شفاهی کتاب متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن، ص ۲۵۱. ۳. همان. (۱۰۷) زبیر (پدرت) از او خوشش آمد و وی را خواستگاری کرد. او گفت: به ازدواج موقت راضی می شوم و او قبول کرد و در ازای روپوشی که بر تن داشت او را به عقد خود در آورد و تو ثمره این ازدواج هستی. (۱) ۶ - متعه حج از جمله اقدامات خلیفه دوم ممنوع ساختن متعه حج است (حج تمتع)، خلیفه گفت: خوش نیاید که شخص حاجی به مکه آید و عبادت خود را به انتها نرسانیده از احرام خارج شود و غسل جنابت نماید. لذا علاوه بر متعه نساء، حج تمتع را نیز ممنوع ساخت و در کلام معروفش گفته است: " متعتان کانتا فی زمن رسول الله وانا انهی عنهما و اعاقب علیهما. " در باره متعه حج هم آیه قرآن ناطق به مشروعیت است: " فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی "، " کسانی که به عنوان عمره تمتع محرم شده اند در صورتی که محصور شوند در حد توان مالی خود، قربانی کنند (۲). " لیکن نهی خلیفه در باره حج تمتع با شکست مواجه

شد و اهل سنت بالاتفاق وظیفه افرادی را که در مکه نباشند (نائی محسوب شوند) حج تمتع می دانند. (۳) شهید ثانی در کتاب "شرح لمعه" در مسأله اول از مسائل فصل دوم کتاب ۱. با توجه به این که تولد ابن عباس در سال دوم هجری و تولد عبد الله بن زبیر سال اول هجری است، تصدیق این گزارش امکان پذیر نیست، گرچه علامه کاشف الغطاء در کتاب اصل الشیعه آن را از راغب اصفهانی نقل کرده و بر آن آثاری مترتب ساخته است. ۲. بقره، آیه ۱۹۶. ۳. بدایه المجتهد، ج ۲ / ۲۴۳. (۱۰۸) حج گفته است: نهی خلیفه دوم مربوط به این بود که کسی با احرام حج افراد وارد مکه شود و بخواهد آن را اختیارا به عمره تمتع مبدل سازد و با انجام عمل عمره از احرام خارج شود. (تبدیل حج به عمره تمتع) ولی صاحب جواهر با این نظر مخالفت شدید نموده و گفته است این توجیهی است که پیروان خلیفه بعد از شکست او در منع از حج تمتع برای تبرئه خلیفه ساخته اند. علامه امینی روایت های بسیاری را در تأیید این سخن از اعلام اهل سنت نقل کرده است. (۱) ۷ - خیرخواهی و اندرز به دوستان هدف نگارنده از تدوین این کتاب، حمایت از مذهب و افشای تهمت های بعضی از مخالفان و پاسخ به یاه سرایی بد اندیشان و ارائه راه حل برای مشکل افراد نابسامان، و جلوگیری از گناه کاری آنان است. این جانب هیچ گاه با هوسرانی مرفهان و بدین نمودن چهره مذهب در میان مخالفان موافق نبوده و نیستم، لذا از دوست داران اهل بیت (علیهم السلام) جدا می خواهم در شرایط کنونی که در اثر تبلیغات سوء مخالفان، اقدام به متعه سوژه به دست آنان می دهد از اقدام به این عمل مخصوصا در کشورهای عربی خودداری کنند بویژه دوستان روحانی مواظب باشند در داخل و خارج کشور شئون روحانیت را محفوظ داشته خود و هم سفران خویش را زیر سؤال نبرند و تا زمانی که جامعه توجیه صحیح نشده خود را گرفتار این نوع امور و همیشه این پیام ائمه (علیهم السلام) را فراموش نکنند. ۱. الغدیر، ج ۶، ص ۲۰۰ به بعد. (۱۰۹) ۱ - سلیمان بن مهران گفته روزی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، گروهی از شیعیان نزد ایشان بودند امام به آنان فرمود: "معاشر الشیعه" کونوا لنا زینا ولا تکونوا علینا شینا قولوا للناس حسنا واحفظوا الستکم و کفوها عن الفضول و قبح العقول (۱)، ای گروه شیعیان برای ما زینت و افتخار باشید نه ننگ و عار، با مردم خوش گفتار باشید و از گفتار ناپسند و سخنان بیهوده و نامعقول اجتناب کنید. " ۲ - شخصی معروف به شقرانی (از فرزندان یکی از صحابه رسول الله (صلی الله علیه و آله)) که برای گرفتن وجوه اعطایی منصور گرفتار سرگردانی شده بود و او را از امروز به فردا پاس می دادند، به محضر امام آمد و از ایشان تقاضای سفارش کرد، امام حاجت او را بر آورد و سهمیه او را از مأمورین پرداخت دریافت کرد و به او داد سپس ایشان را - (که گرفتار ارتکاب بعضی معاصی بوده - به این شرح نصیحت فرمود: "ان الحسن من کل احد حسن و انه منک احسن لمکانک منا و ان القبیح من کل احد قبیح و انه منک اقبیح لمکانک منا، (۲) کار خوب از همه پسندیده است و از تو پسندیده تر چون خودت را به ما وابسته کرده ای و کار بد از همه ناپسند است و از تو ناپسندتر چون به ما مربوط گشته ای. " پیام به برادران روحانی وضع امروز اهل علم همان وضعی است که در "شقرانی" بوده است، عمل ناپسند و غیر موافق شأن، مایه آبروریزی نوع و بی اعتبار جلوه دادن مذهب قرار داده ۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۳۰. ۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۰۸. (۱۱۰) می شود لذا باید بیدار باشیم و در مقابل دشمنان هشیار زندگی کنیم، در میان دوست و دشمن چنان زیست کنیم که برای ائمه هدی آبرو و برای مذهب زینت و برای جامعه رحمت باشیم علاوه بر اجتناب از گناه از مباحاتی که باعث وهن مذهب می شود اجتناب ورزیم. پندی از مرحوم حاج شیخ عبد الکریم مرحوم آقای اراکی از استاد خود مرحوم حاج شیخ عبد الکریم (مؤسس حوزه علمیه قم) نقل می کرد که ایشان می فرمود: روحانی در میان مردم مانند کسی است که لباسی سفید بر تن کرده است کوچک ترین نقطه سیاه در لباس سفید مورد توجه مردم می شود، هزار نقطه سفید را رها کرده و به آن سیاهی خیره می شوند لذا باید مراقب خود باشیم. ۳ - شخصی به نام "مرازم" می گوید: زمانی به مدینه رفته بودم در مسافر خانه ای منزل کردم سرایه دار مسافرخانه زنی بود بی شوهر خواستم با او ازدواج موقت کنم راضی نشد، شیطان مرا وسوسه کرد و اقدامی ناپسند از من سر زد، روز بعد خدمت حضرت کاظم (علیه السلام) رسیدم امام فرمود: از شیعیان ما محسوب نمی شود کسی که در خلوت ها پرهیزکار نباشد (۱). ۸ - نصیحت مشفقانه به نسل جوان ضمن سفارش به

دست اندرکاران امور در باره حل مشکلات جوانان پیام این خادم دلسوز به عزیزان جوان این است که قبل از هر چیز به خدا پناه ببرید و برای ۱. سفینه البحار ج ۱، ص ۷۳۰. (۱۱۱) ترک گناه از حضرتش مدد بخواهید همیشه خود را از میدان گناه دور سازید، لحظه ای از نفس اماره و شیطان مکار غافل نشوید. از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) مروی است: "النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورث حسره طویلہ، (۱) نگاه به نامحرم تیری از تیرهای مسموم شیطان است که به سوی انسان رها می شود چه بسیار است نگاهی که بشر را به ندامت طولانی گرفتار می سازد. "شاهدی بر گفتار در زمانی که در دادگستری انجام وظیفه می کردم یکی از بازپرس های محترم به افاق من آمد و گفت: چند روز قبل جسدی را در زیر یکی از پل های جاده کاشان کشف کردم که قابل شناسایی نیست. پس از عکس برداری جریان را در روزنامه اعلام کرده اجازه دادم شهرداری او را در گورستان دفن کند. حدود سه روز بعد از انتشار خبر در روزنامه بستگان وی آمدند و بعد از نبش قبر، جسد او را شناخته جنازه اش را به وطن خودشان که یکی از روستاهای کاشان است منتقل کردند. بعد از تحقیقات فنی مشخص شد مقتول کارگر یکی از کارخانه های قالی بافی بوده که به دسیسه همسرش به قتل می رسد. ماجرا از این قرار بوده است که فرد مذکور برای نصب کولر، مرد برق کشی را که همسایه او بوده به خانه می آورد، در هنگام راه اندازی کولر همسر صاحب خانه به برق کش کمک می کرده و در ضمن با هم گفت و گو کرده و لبخند می زنند، از همین ارتباط جزئی کار به عاشقه و مراوده منتهی می شود. سر انجام رابطه نامشروع و اعمال خلاف عفت برقرار می سازند و برای این که از آزادی محض برخوردار شوند ۱. سفینه البحار، ج ۲ / ۵۹۶. (۱۱۲) شوهر خود را بارها با تحریکات و تشویقات به جبهه می فرستد بلکه شهید شود و خیالش راحت گردد وی برخلاف انتظار همسرش سالم بر می گردد، آخر الامر تصمیم می گیرند به زندگی وی خاتمه دهند، در یک مهمانی که از جوان برق کش در منزل مقتول به عمل می آید همسر مقتول در پارچ نوشابه ده قرص والیوم را حل می کند و به خورد او می دهد وقتی شوهرش در اثر خوردن نوشابه آلوده بی هوش می شود او را داخل آشپزخانه می برند و مقدراری بنزین روی بدنش می ریزند و از منزل خارج می شوند و با زدن کلیدی که از قبل تهیه دیده بودند جریان برق را به داخل آشپزخانه برقرار می کنند و منتظر آتش سوزی می شوند. غافل از این که در اثر اصابت وسایل بازی بچه های همسایه سیم برق قطع گشته آتش سوزی نمی شود. آنان برای این که جریان فاش نشود به سرعت، آن بی نوا را خفه می کنند و با عجله در صندوق عقب ماشین جای سازی کرده از منزل به مقصد قم خارج می شوند و شبانه جسد او را داخل یکی از پل ها قرار می دهند. آری، یک لبخند و شوخی، انسان را تا بدین مرحله از پستی و رذالت می کشاند. ۹ - در باره چند فرع فقهی ۱ - هر گاه مدت زاید بر عمر زوجین یا یکی از آنها باشد مثل ۹۹ سال، اکثر فقهای عصر عقیده دارند نکاح به صورت موقت باقی می ماند ولی مرحوم آیه الله خوئی آن را کنایه ازدواج دائم دانسته است. (۱) ۲ - هر گاه دختری که با اقدام ولی، به عقد انقطاعی در آید، مشهور معاصرین ۱. منهاج الصالحین ج ۲ / ۲۷۹. (۱۱۳) آن را صحیح می دانند هر چند آن دختر در مدت معین شده قابلیت برای استمتاع نداشته باشد، ولی بعضی از فقها عقیده دارند در صورتی این عقد صحیح است که لا اقل در پایان مدت این قابلیت بر حسب نوع وجود داشته باشد. (۱) ۳ - هر گاه مدت به قدری کم باشد که در آن مدت، قابلیت برای استمتاع نباشد مثل یک ثانیه، بعضی از فقها عقیده بر بطلان آن دارند. (۲) ۴ - هر گاه مدت ازدواج موقت، منفصل از عقد باشد مثل یک ماه بعد، بعضی از فقها آن را باطل می دانند (۳). گرچه این قول مطابق با احتیاط است ولی می توان صحت آن را از ادله استخراج کرد. ۵ - هر گاه بین زن و شوهر ویا ورثه آنان در دوام و انقطاع اختلاف شود، مشهور قائل اند به تقدیم قول قائل به دوام ولی مرحوم آیه الله خوئی طرفدار تقدیم قول به انقطاع است. (۴) ۶ - هر گاه در موقع خواندن عقد، ذکر مدت فراموش شود مشهور گفته اند عقد منقلب به دوام می شود ولی مرحوم آقای خوئی عقد را باطل دانسته است (۵) بحث از صحت و سقم هر یک از این اقوال از حوصله این کتاب مختصر خارج است. ۱۰ - معیار حق و باطل در این فایده که دارای حسن ختام است، حدیثی ارائه می شود که محتوای آن ۱. توضیح المسائل، آیه الله خوئی. و توضیح المسائل حضرت آیه الله آقای وحید خراسانی (مد ظله) ص ۶۳۲.

۲. تقریرات نکاح، حاج شیخ عبد الکریم حائری، ص ۱۹. ۳. منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۰. ۴. مبانی تکلمه منهاج، ج ۱، ص ۵۹.

۵. مبانی تکلمه، ج ۱، ص ۶۰. (۱۱۴) چکیده رسالت پیامبران و تجلی تمامی ادیان الهی است. قال رسول الله (ص): "لا قول الا بعمل ولا قول ولا عمل الا بنیة ولا قول ولا عمل ولا نية الا باصاۃ السنۃ (۱)، ارزش گفتار به عمل است و ارزش عمل به نیت پاک است و ارزش گفتار و کردار و نیت پاک به پیروی از قانون خدا است." روشن است که مرجع تشخیص قانون خدا، امام معصوم است و با محروم بودن از لقای امام، فقهای جامع شرائط اثنی عشریه اند. چنان که در پیام حضرت مهدی - ارواحنا فدا - آمده است: "واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی روات حدیثنا." ۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۰. (۱۱۵) کتاب آئین پاک دامن در اسلام (۱۱۷) بسم الله الرحمن الرحیم پیش گفتار بعد از آن که تصمیم به چاپ و نشر کتاب خیمه عفاف (ازدواج موقت) گرفتم به منظور بهره گیری بیشتر، رساله عفت دامن (پاکدامنی) را که قبلا - به صورت مسوده نوشته بودم بعد از اصلاحات لازم با نام آئین پاکدامنی در اسلام به آن ضمیمه کردم امید است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد. آنچه در اینجا لازم به ذکر است، این است، همان گونه که در علم پزشکی برای برخورداری از سلامت جسمی افراد جامعه از دو راه بهداشت و درمان، استفاده می شود و به اعتراف خبرگان این فن بهداشت مقدم بر درمان و نقش آن در رسیدن به هدف زیاده تر است. در نظام قانونی اسلامی نیز از این دو روش برای نیل به کمال و اصلاح جامعه از آلودگی به گناه استفاده شده است برنامه های عبادی، دستورات اخلاقی، نصایح صالحان قانون ازدواج و امر به معروف و نهی از منکر و امثال آن نقش پیش گیری و اجرای حدود و تعزیرات و قانون قصاص و دیات، راه درمان و جبران خسارت است. (۱۱۸) آنچه در این دفتر و کتاب خیمه عفاف تقدیم می شود ترسیم برخی از بهداشت معنوی نظام قانونی اسلام است که با رعایت آن زمینه گناه تا حد چشمگیر از بین می رود. ضمنا از خوانندگان عزیز خواهانم که با برخورد اسلامی نویسنده را در رفع عیوب این نوشتار یاری نمایند و از خدای کریم امید قبولی این اثر کوچک را دارم، هر گاه مقبول درگاه احدیت واقع شود ثواب آنرا به پیشگاه حضرت بقیة الله حجت بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اهداء می نمایم باشد که این ناچیز را دستگیری فرمایند. در خاتمه از برادرانی که نگارنده را در مراحل مختلف چاپ کتاب کمک نموده اند سپاسگزاری کرده از خداوند سعادت دنیا و آخرت را برایشان خواستارم. قم - حوزه علمیه - حسین کریمی قمی پائیز ۱۳۷۷ (۱۱۹)

قال الصادق (علیه السلام): "خف الله کانک تراه وان لم تکن تراه فانه یراک فان شککت انه یراک فقد کفرت وان تیفت انه یراک ثم برزته بالمعصیة فقد جعلته فی حد اهل النار." (اختیار رجال کشی، شرح حال اسحاق بن عمار، ص ۳۴۸) پاک دامن (عفاف جنسی) یکی از برجسته ترین ارزشهای اخلاقی عفاف (پارسانی) است که از تعدیل قوه شهوی به وجود می آید، علمای اخلاق عفاف را به ۳ بخش کلی منقسم نموده اند و آنها عبارتند از عفت زبان، عفت شکم، و عفت دامن، پاکدامنی (عفت دامن) برترین انواع عفاف است. اکثر روایات وارده در زمینه ارزش عفت نفس ناظر به این بخش است، می توان گفت آنچه انسان را از حیوانات در مقام عمل جدا می سازد، عفت دامن و شکم است زیرا حیوانات در اثر فقدان قوه ناطقه دچار آفات زبان نمی شوند، ولی اسیر شکم و غرائز جنسی بوده و بطور دلخواه ولجام گسیخته برای سیر کردن شکم و اشباع غرائز جنسی اقدام می کنند. افرادی که در راه سیر کردن شکم و اشباع غرائز جنسی خویش پروا ندارند و بدون حدود مرز گام بر می دارند حیوان و بدتر از حیوان اند. (۱۲۰) دین مقدس اسلام همان گونه که با رهبانیت و سرکوبی شهوت مخالف است با بی بندوباری و بی عفتی شدیداً مخالفت کرده و کوشیده تا از راه معقول و صحیح مسلمانان را به راه عفاف که حد وسط خمودی و بی بندوباری است رهبری کند تا از زندگانی شرافتمندانه انسانی برخوردار شوند. در سوره نور می خوانیم: "ولیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله" (۱)، (و باید افرادی که قادر به ازدواج نیستند عفت نفس را پیشه کنند تا خداوند برایشان زمینه ازدواج را فراهم سازد). روایات ۱ - قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): اکثر ما تلج به امتی النار الاجوفان: البطن والفرج (۲)، بیشترین چیزی که مسلمانان را به دوزخ می فرستد بی بندوباری در خوراک و شهوات جنسی است. ۲ - قال علی (علیه السلام): افضل العبادۃ العفاف (۳)، برترین عبادت

پارسائی است. ۳- قال الباقر (علیه السلام): مامن عبادۀ افضل من عفة بطن وفرج (۴)، هیچ عبادتی برتر از عفت دهان و دامن نیست.

۴- قال علی (علیه السلام): علیک بالعفاف فانه افضل شیم الاشراف (۵)، ۱. نور / ۲. اصول کافی ج ۲ / ۷۹. ۳. همان. ۴. همان. ۵. غرر الحکم / ۲۵۶. (۱۲۱) بر تو باد به عفاف که برترین خوی بزرگان است. ۵- قال علی (علیه السلام): العفة رأس کل خیر (۱)، عفت سرآمد هر خیری است. ۶- قال علی (علیه السلام): "ما المجاهد الشهيد فی سبیل الله بأعظم أجرا ممن قدر فعف. لکاد العفیف ان یکون ملکاً من الملائکة. (۲)، رزمنده ای که در راه خدا به شهادت برسد اجرش بیشتر از کسی که قدرت بر گناه پیدا کند و با عفت نفس از آن دوری کند نخواهد بود، عفیف و نزدیک است فرشته ای از فرشتگان شود. سعدی می گوید: اگر لذت ترک لذت بدانی * دگر لذت نفس لذت نخوانی سفرهای علوی کند مرغ روح * گر از چنبر آز بازش رهانی تو این صورت خود چنان می پرستی * که تا زنده ای ره به معنی ندانی؟ هزاران در از خلق بر خود بیندی * گرت باز باشد در آسمانی چنان میروی ساکن و خواب در سر * که می ترسم از کاروان باز مانی ۷- قال الصادق (علیه السلام): "خف الله کانک تراه وان لم تکن تراه فانه یراک" از خدا پروا کن گویا او را می بینی، و هر گاه به این مقام نیستی بی شک او تو را می بیند (۳) ۱. غرر الحکم / ۲۵۵. ۲. نهج البلاغه سخن ۴۸۲. ۳. اختیار رجال کشی، شرح حال اسحاق بن عمار در مقامی که کنی قصد گناه * گر کند کودکی از دور نگاه شرم داری ز گنه در گذری * پرده عصمت خود را نداری شرم بادت که خداوند جهان * که بود واقف اسرار نهران بر تو باشد نظرش بیگه و گاه * تو کنی در نظرش کار گناه (۱۲۲) در نکوهش خمودی و رهبانیت همان طوری که قبلاً ذکر شد سرکوبی قوه شهویه بطوری که انسان را به انزوا بکشاند و از لذات جسمی به طور کلی محروم نماید از صفات رذیله و در اسلام از آن مذمت شده و دارای مفاسد فردی و اجتماعی و تعطیل حرث و نسل و رکود فعالیت‌های همه جانبه است. قرآن در این زمینه می فرماید: خذوا زینتکم عند کل مسجد وکلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لایحب المسرفین قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطیبات من الرزق (۱): بردارید زینتتان را نزد هر مسجدی و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید بدرستی که او مسرفین را، دوست ندارد بگو چه کسی زینت خدا و روزی پاکیزه ای را که خدا برای بندگانش آفریده، حرام کرده است. "داستان عثمان بن مظعون" عثمان بن مظعون از اصحاب برجسته رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. فرزندش فوت شد وی از شدت حزن گوشه گیری را برگزید و ترک لذت را شیوه خود نمود. خبر به پیغمبر رسید که عثمان بن مظعون تارک دنیا شده آن جناب با او ملاقات واز کردارش نهی کرد و فرمود: بر ما رهبانیت نوشته نشده رهبانیت امت من در جهاد فی سبیل الله است (۲). ۱. سوره اعراف ۳۱ - ۳۰. ۲. سفینه البحار ج ۱ ص ۵۴. (۱۲۳) حدیث "لا رهبانیه فی الاسلام" (۱) از جمله احادیث معروفی است که به صورت ضرب المثل در کتابها مسطور است. داستان عاصم بن زیاد حارثی در کتاب نهج البلاغه مذکور است که روزی امیر المؤمنین (علیه السلام) به خانه علاء بن زیاد حارثی که از یاران حضرت بود وارد شد، دید خانه ای وسیع دارد فرمود: با این خانه می خواهی چه کنی؟ در قیامت به آن نیازمندتری، آری اگر بخواهی می توانی با این خانه وسیع به آخرت برسی در این خانه مهمان داری کن، صلّه رحم انجام ده، حقوق الهی را از این خانه بیرون فرست در این صورت بوسیله این خانه به آخرت میرسی، علاء عرض کرد از دست برادرم عاصم گلاویه دارم، عبائی پوشیده واز دنیا کناره گیری کرده است. امام فرمود، او را احضار کردند، وقتی وضع او را دید فرمود: یا عدی نفسه. ای دشمن خود، شیطان ترا گمراه کرده است. چرا به خانواده ات توجه نمی کنی؟ خداوند اشیاء پاکیزه را برایت حلال کرده، نمی خواهی از آن بهره ببری. تو در برابر خدا خفیف تر از آنی (از تحریم آنچه را خدا حلال نموده است). عاصم گفت: یا امیر المؤمنین، این تویی که در لباس زبر، خشن و با خوراک سخت و بی مزه زندگی می کنی امام فرمودند: وای بر تو، من مانند تو نیستم، زیرا خداوند به پیشوایان مردم واجب کرده، خود را در ردیف ضعیفان جامعه قرار دهند، تا این که پریشانی بیچاره و تنگدست را نگران نسازد (۲).

۱. سفینه البحار ج ۱ ص ۵۴۰. ۲. نهج البلاغه عبده ج ۲ ص ۱۸۶ - خطبه ۲۰۰. (۱۲۴) بر خورد رسول الله با تارکان دنیا از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که سه زن به خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی

خورد، دیگری گفت، شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند، سومی گفت: شوهر من با زنان نزدیکی نمی کند. آن حضرت از خانه بیرون آمد، در حالی که از غضب ردای مبارک او به زمین کشیده می شد تا آن که به منبر رفت و بعد از حمد و ثنای خداوند فرمود: چه باعث شده بعضی از اصحاب گوشت نمی خورند، بوی خوش استعمال نمی کنند و به زنان نزدیک نمی شوند. من هم گوشت می خورم و هم بوی خوش استعمال می کنم و با زنان خود نزدیکی می کنم. پس هر کس بی رغبت باشد به سنت من و آن را ترک نماید از من نیست. و نیز روایت شده که روزی رسول الله (صلی الله علیه و آله) در باره قیامت گفتگو می کرد اصحاب متأثر شدند و گریان گردیدند. ده فرد از ایشان در خانه عثمان بن مظعون جمع شدند و تصمیم گرفتند: روزها روزه بگیرند و شبها عبادت نمایند، گوشت و چربی نخورند از زنان جدا شوند، بوی خوش استعمال نکنند و ترک دنیا نمایند. حتی بعضی از آنها تصمیم گرفتند خود را از مردی ساقط کنند. وقتی پیغمبر از قصد آنان مطلع شد ایشان را از این عمل منع فرموده و گفت: نفسهای شما را بر شما حقی است. هم روزه بگیرید و هم افطار کنید، هم عبادت کنید و هم بخوابید. من هم به عبادت می کنم و می خوابم و روزه می گیرم و افطار میکنم و گوشت می خورم و نکاح می کنم. هر کس از سنت من اعراض کند از من نیست (۱). ۱. ملا محمد طاهر قمی تحفه الاخبار ص ۱۵۲. (۱۲۵) در نکوهش شهوترانی نقطهء مقابل خمودی (ترک دنیا)، لاابالی گری و شهوت رانی است که از آن تعبیر به شره می شود. شکی نیست: انسانی که زمام خود را در اختیار شهوت قرار دهد، در واقع حیوانی بیش نیست زیرا هم او شکم و غریزه جنسی است و برای رسیدن به تمایلات خود اقدام به هر جنایتی می کند. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ثلاث اخاف منهن علی امتی من بعدی، الضلالة بعد المعرفة و مضلات الفتن و شهوة البطن و الفرج (۱)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: بر آینده امت خود از سه چیز می ترسم یکی گمراهی بعد از شناخت و دیگری آزمایشهای سخت گمراه کننده و سوم شهوت جنسی و بطنی. نمونه آن بشرح ذیل است با نگاهی به تاریخ روشن می شود، بزرگترین جنایات افراد سرشناس و کسانیکه در پوشش خلافت و زعامت حکومت می کردند، در اثر شهوت رانی بوده است. ولید بن یزید بن عبد الملک بن مروان در باره ولید بن یزید بن عبد الملک بن مروان یکی از خلفای اموی نوشته اند: ۱. اصول کافی ج ۲ / ۷۹. (۱۲۶) وی دستور داده بود حوضی را از شراب پر سازند و هر گاه هوس می خوارگی می نمود خود را در آن حوض می انداخت و آن قدر می خورد که کاستی حوض مشاهده می شد. روزی در حال مستی دید دخترش آرایش کرده و کنار دایه خود نشسته است، در مقابل چشم نظاره کنندگان با او در آویخت و گفت: دین مجوس را پیشه کرده ام. و نیز نوشته اند: که یک شب مؤذن اذان صبح گفت: ولید برخاست و شراب خورد و با کنیزی که او هم مست بود در آویخت و قسم یاد کرد که با مردم نماز نکند جز او پس لباس خود را به وی پوشاند و آن جاریه مست و آلوده را به مسجد فرستاد تا با مردم نماز گذاشت (۱). دنیای کنونی و ایران اسلامی در دنیای کنونی شهوت رانی و بی بندوباری شرافت انسانی را به فنا داده است. (۲) حتی در ممالک اسلامی جز زندگانی حیوانی و بدتر از آن چیزی به چشم نمی خورد. ظواهر اسلامی از بین رفته و تظاهر به فحشا و منکرات همه جا را فرا گرفته است. زندهای برهنه و مردان آلوده به فساد و کاباره های ننگین، فیلمهای مبتذل و صدها ننگ و عار بر آنها چیره شده و کرامت انسانی را به باد داده است. تنها در کشور جمهوری اسلامی ایران است که به برکت انقلاب اسلامی به رهبری بزرگ مرجع تقلید شیعیان جهان (مجدد مذهب در قرن اخیر) مظاهر فساد جای خود را ۱. تمه المنتهی صفحه ۹۰. ۲. در آمریکا هر سال ۵ / ۱ میلیون مورد سقط جنین غیر قانونی صورت می گیرد. نقل از مجله مکتب اسلام شماره ۱۱ سال ۶ (۱۲۷) به ظواهر اسلامی داده است. بحمد الله بی حجابی و میخوارگی و هوس رانی و بی عفتی بحکم قانون، ممنوع و راه برای امر به معروف و نهی از منکر تا حدی باز و حدود الهی در محاکم قضائی اجرا می شود. و این نعمتی است بزرگ که قدر آن را باید دانست. امید است که از برکت انقلاب اسلامی ایران مردم کشورهای اسلامی بیدار و برای حاکمیت اسلام بپا خیزند. و از خداوند می خواهم که مسئولین محترم نظام را برای حفظ اسلام اصیل و جلوگیری از بد حجاییها و سائر عوامل شهوت انگیز موفق بدارد. ازدواج و زمینه سازی عفت اسلام برای اعتدال قوه شهویه و جلوگیری از شهوت رانی جنسی مردم را

تشویق به ازدواج نموده است. خدا در قرآن دستور می دهد که: وانكحوا الايامی منكم والصالحین من عبادكم وامائکم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم (۱)، به ازدواج در آورید افراد عزب و بندگان و کنیزان صالح خود را، اگر فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می کند، خداوند وسعت دهنده در رزق و آگاه به امور است. در این آیه از بهانه گیری در پوشش فقر برای شانه خالی کردن از ازدواج جلوگیری نموده و مردم را در هر حال تشویق به سنت ازدواج کرده زیرا تنها بوسیله ازدواج است که عفت برقرار می شود. افرادی که ازدواج نمی کنند نوعاً از دو حال بیرون نیستند یا مقدسانی ۱. نور / ۳۲. (۱۲۸) خمودند و یا شهوت رانانی بی پروا که کرامت انسانی را از دست داده اند. از این رهگذر است که در روایات اسلامی جملات عجیبی در باره بنیان ازدواج بکار برده شده که برخی از این روایات ذکر می گردد. ۱ - عن رسول الله (صلی الله علیه وآله). انه قال النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی (۱)، ازدواج جزء روشهای من است هر کس از روش من اعراض کند از من نیست. ۲ - قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): خیار امتی المتأهلون وشرار امتی العزاب (۲)، بهترین امت من افراد متأهل و بدترین آنها افراد مجرد و عزب می باشند. ۳ - قال ابو عبد الله (علیه السلام): رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعۃ یصلیهما العزب (۳)، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دو رکعت نماز که انسان متأهل بخواند افضل از هفتاد رکعت است که شخص مجرد بخواند (۴). ۴ - قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الآخر (۵)، کسیکه ازدواج کند با بنیان ازدواج نصف دین او حفظ می شود و باید برای نصف دیگر کوشا و پرهیزکار باشد. ملاحظه فرمائید در این حدیث ازدواج که زمینه ساز عفت است نگهبان ۱. مستدرک الوسایل ج ۲ ص ۵۳۱. ۲. مستدرک الوسایل ج ۲ ص ۵۳۱. ۳. وسائل الشیعه ج ۱۴، ص ۴ / ۱۴. ۴. همان / ۲۳. ۵. همان / ۴. (۱۲۹) نصف دین و در حدیث دیگر نگهبان دو سوم (۲۳) دین شناخته شده است. چون تنها با ازدواج است که از رهبانیت ممنوع و از شهوت رانی منفور جلوگیری می شود. ۵ - قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): ما استفاد امرء مسلم فائده بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة تسره اذا نظر الیها و تطیعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و مالها (۱)، برای مرد مسلمان بعد از نعمت اسلام هیچ فائده ای با ارزش تر از زن مسلمان با عفت که او را در حضورش اطاعت و در غیابش حفظ کند وجود ندارد. با بررسی پرونده های جزائی مشخص می شود، بسیاری از جرائم ضد عفاف در کشور اسلامی ما ناشی از ترک ازدواج است که متأسفانه در اثر تورم بی حساب و بالا رفتن سطح زندگی و توقعات و تشریفات بی جا این بنیان اسلامی (سنت ازدواج) برای اکثر جوانان غیر مقدور گردیده و در اثر آن منکرات بسیار مشاهده می شود. راه های بازدارنده از بی عفتی و شهوترانی جنسی تردیدی نیست که در امراض جسمی پیشگیری مقدم بر درمان است. و آثار آن بمراتب بیشتر از آثار علاج است زیرا با جلوگیری از آلودگی اکثریت جامعه را سالم نگاه داشت و از زحمات مشقت بار درمان آسوده ساخت، اسلام این روش را در تعالیم خود بکار برده و همیشه پیش گیری را مقدم بر درمان و اهمیت آن را زیاده تر از درمان دانسته است. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳، حدیث ۱۰ - باب ۹ (ابواب مقدمات نکاح). (۱۳۰) نگاه به نامحرم یکی از این راهها ممنوع نمودن نگاه به نامحرم است. به این جهت در سوره نور دستور داده شده است: "قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک از کی لهم ان الله خبیر بما یعملون و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن (۱)، بگو به مؤمنان فرو گیرند دیده هایشان را و نگاه دارند عورت هایشان را آن پاکیزه تر است برای ایشان، بدرستی که خدا آگاه است به آنچه می کنند، و بگو به زنان با ایمان فرو گیرند دیده هایشان را و نگاه دارند عورت های خود را." از امام صادق (علیه السلام) روایت شده. النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورثت حسرة طویله (۲)، نگاه به نامحرم تیری است زهر آلود از تیرهای شیطان - و چه بسا نگاهی که پشیمانی طولانی را در بردارد. "از عیسی بن مریم (علیه السلام) روایت شده: ایاکم والنظرة فانها تزرع فی قلب صاحبها الشهوة و کفی بها لصاحبها فتنة (۳)، از نگاه کردن به نامحرم اجتناب کنید زیرا در دل نگاه کننده تخم شهوترانی را کشت می کند و این امر برای گرفتاری انسان کافی خواهد بود. روایات در این زمینه بسیار است و ما شاهد جنایات بزرگی بودیم که از یک نگاه یا لبخند و یا تماس بدنی و خلوت با

نامحرم تولید گشته است. ۱. سوره نور آیه ۳۰ - ۳۱. ۲. سفینه البحار ج ۲ ص ۲۹۶ - برای آگاهی بیشتر رجوع شود به ص ۱۵۶ کتاب نسیم ولایت، نگارنده چاپ سال ۱۳۷۷. ۳. سفینه البحار ج ۲ - ص ۲۹۶. (۱۳۱) پوشش و حجاب یکی از بهترین راه های باز دارنده از شهوت رانی جنسی پوشش اسلامی برای بانوان و کتمان زینت آنان است قرآن در این زمینه دستور داده " ولاییدین زیتهن الا مظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن ("، ۱) زینت و آرایش خود را جز آنچه قهرا ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و دوش خود را به مقنعه پیوشانند. " برای بانوان پوشش اندام و کتمان مواضع آرایش یک امر ضروری اسلام است که اگر رعایت شود از اکثر مفاسد جلوگیری می کند. هزار افسوس که امروز کشورهای اسلامی این حکم ضروری اسلام پایمال شده و مسلمانان از آن اعراض کرده اند. تنها در کشور اسلامی ایران بی حجابی حرام و بدحجابی نیز از جرائمی است که بایستی مقامات انتظامی و قضائی با آن برخورد کنند و این از امتیازات این کشور است و در دنیا برای آن نظیری وجود ندارد. این امریکی از برکات بی شمار انقلاب اسلامی است که امید است کشورهای دیگر اسلامی هم از آن سرمشق بگیرند. اجتناب از خلوت با نامحرم یکی از راه های باز دارنده از گناهان جنسی و بی عفتی دوری از خلوت با نامحرم است که در روایات از آن (خلوت) نهی شده و بعضی از فقها قائل به حرمت آن شده اند. مفاسد خلوت بر کسی پوشیده نیست، از ائمه معصومین (علیه السلام) روایت شده است که ابلیس به موسی بن عمران (علیه السلام) گفت: ۱. نور، آیه ۳۱. (۱۳۲) لا تلخل بامرء لا تحل لك فانه لا یخلو رجل بامرءة لا تحل له الا كنت صاحبه دون اصحابی (۱)، ابلیس (رئیس شیاطین) به موسی کلیم الله گفت: با زنی که بر تو حلال نیست خلوت نکن که من خودم دخالت در وسوسه و تحریک به گناه می کنم نه شیاطین دیگر و پایتتر از من. " قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): من كان یومن بالله والیوم الآخر فلا یبیت فی موضع یسمع نفس امرأته لیست له به محرم (۲)، هر کس ایمان به خدا و آخرت دارد در جائی که نفس زن نامحرم را می شنود، نمی خوابد. " در کتاب " خصال " از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است: چون نوح پیغمبر، قوم خود را نفرین کرد و آنها هلاک شدند، ابلیس نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: ای نوح نعمتی بر من داری می خواهم به تو پاداش دهم. نوح فرمود: بخدا بر من ناگوار است که بر تو حق نعمتی داشته باشم چیست آن نعمت؟ عرض کرد: نفرین کردی خدا قومت را غرق کرد. دیگر کسی نماند که بر گمراه کردن او رنج برم پس من را حتم تا مردم دیگری به وجود آیند و آنها را گمراه کنم. نوح فرمود: چه پاداش می دهی عرض کرد: " اذکرنی فی ثلاثه مواطن فانی اقرب ما اکون الی العبد اذا کان فی احدیهن: اذکرنی عند غضبک و اذکرنی اذا حکمت بین اثنتین و اذکرنی اذا کنت مع امرئة ۱. سفینه البحار ج ۱ / ۴۲۶. ۲. وسایل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۳۴. (۱۳۳) خالیالیس معکما احد ("، ۱)، در سه جا مرا به یاد آور که در آن سه مورد به بندگان خدا نزدیک ترم: وقت غضب، هنگام حکم کردن میان دو نفر، و سوم وقتی که با زن بیگانه ای خلوت کردی و با تو هیچ کس نیست ". پس تا حد ممکن باید از خلوت با نامحرم پرهیز نمود که شاید از پرهیز نکردن ها گناه بزرگی ایجاد گردد. از خلوت تا بزرگ ترین جنایت - داستانی آموزنده (۲) در سال ۱۳۶۴ در حوزه قضائی قم در جاده اصفهان، نیمه شب مردی را در اتومبیلش در کنار همسرش سر بریدند. بعد از هفت ماه پیگیری به وسیله بازپرس دادسرای عمومی قم مشخص شد که این قتل فجیع به توطئه همسر مقتول توسط دوست نامشروع وی انجام شده است. بعد از مشخص شدن امر قاتل و یاران قاتل همگی دستگیر شدند. مقتول مردی زیبا و رشید و تکنسین کارخانه ذوب آهن و پسر عمه همسر خود بود. قاتل مردی از آوارگان جنگی آبادانی، سیاه چهره و بداندام. همسر مقتول زنی ۲۷ ساله و دیپلمه، کیفیت قتل طبق اعتراف و اقرار وی از این قرار است: روزی برای مراجعه به دندان پزشک از محل سکونتیمان (فولاد شهر) به مقصد اصفهان سوار اتومبیلی شدم، در موقع پیاده شدن هنگام پرداخت پول، ۱. کتاب خصال باب خصال سه گانه ح ۱۱۷. ۲. این جریان در زمانی واقع شد که این جانب ریاست دادگستری قم را عهده دار بودم، آنچه را می نویسم خلاصه اعترافات بزه کارانی است که خود از آنها شنیده و یا از پرونده آنان استخراج کرده ام. (۱۳۴) دستم به دست راننده خورد. جرقه ای شهوت انگیز در دلم شعله کشید، قرار شد راننده صبر کند و مرا برگرداند، در مراجعت جو خلوت، توأم با

سابقه قبلی ما را گرفتار مذاکرات نامشروع نمود، سر انجام با هم دوست شدیم و قرار بر این شد که روزها بعد از ساعاتی که شوهرم به محل کار خود می رود به منزل من بیاید، این قرار عملی شد و به مدت دو سال با هم رابطه داشتیم و متجاوز از صدبار عمل منافی عفت انجام دادیم و چون شوهرم را مزاحم دیدیم: بارها پیشنهاد کشتن او را به رفیقم دادم تا بعد از کشتن او با هم ازدواج رسمی کنیم. چند بار نقشه قتل او را ریختیم عملی نشد تا این که برای آخرین بار که شبانه عازم تهران بودیم، او را تحریک کردم که دنبال ما حرکت کند و یکی دو نفر را با خود همدست کند و همراه بیاورد. وقتی دستمال های کاغذی مچاله شده را از شیشه اتومبیل بیرون انداختم مهیا شوند. در آن هنگام ماشین را به بهانه دل درد متوقف می کنم. آنها پیاده شوند و شوهرم را بکشند. وی مصمم شد که به دستور من عمل کند. طبق برنامه ای که گفته شد با کمی فاصله دنبال ما حرکت کردند، به بهانه دل درد، شوهرم را در پارکینگ متوقف کردم. بلافاصله اتومبیل قاتل، پشت سر ما ایستاد، وی با دو نفر از همدستانش با چهره نقاب زده پیاده شدند، یکی از دوستان قاتل همسرم برای رد گم کردن وعادی جلوه دادن امر، فلاکس آب را روی کاپوت ماشین گذاشت و کنار آن ایستاد و ماجرا را تماشا می کرد، قاتل با فشار به دستگیره از درب عقب با یکی دیگر از همدستانش وارد اتومبیل شد، و شوهرم را به طرف عقب اتومبیل کشیدند. شوهرم خیال می کرد برای بردن مال اقدام به این کار کرده اند، پیشنهاد کرد که سویچ اتومبیل را می دهم به من و همسرم کاری نداشته باشید، اتومبیل را با آنچه دارم ببرد آنها اعتنا نکردند رفیق قاتل دستهای شوهرم را به طرف عقب کشید و قاتل با (۱۳۵) کارد سر او را از بدن جدا کرد و من که خوشحال، شاهد صحنه بودم به آنان گفتم زود از صحنه خارج شوید. بعد از رفتن آنها پیاده شدم و اتوبوسی را متوقف کردم و با داد و فریاد به سرنشینان آن گفتم سه نفر نقاب زده آمدند و شوهرم را کشتند. جریان به پاسگاه کشید و بعد هم برای شوهرم سیاه پوش شدم و مجالس ترحیم گرفتم و در این مدت (هفت ماه) با قاتل رابطه نامشروع به طور آزاد داشتیم. از او سؤال کردم: آیا در زندگی با شوهرت اختلاف داشتید؟ جواب داد: هرگز اختلافی نداشتم. شوهرم مردی مهربان و مؤدب بود و حتی مهمان بدون اجازه من نمی آورد و در مدت دوازده سال که با هم زندگی کردیم یک مرتبه هم با من به درستی سخن نگفت، حقوق ماهیانه اش را در اختیار من قرار می داد، من را بسیار دوست می داشت و هیچ گونه کمبودی از نظر جمال و کمال در وی نبود. از وی سؤال کردم: پس چرا به چنین جنایتی اقدام کردی؟ جواب داد: پاسخی برای این سؤال ندارم، خودم هم نمی دانم چرا سر از این وادی در آوردم و الان تحت فشار وجدانم قرار دارم که چرا بعد از دوازده سال زندگی با داشتن یک دختر هشت ساله و آن همه محبتی که از شوهرم دیدم به چنین روزی گرفتار شده ام. دادگاه کیفری یک قم قاتل را که مردی مجرد بود به عنوان حد عمل منافی عفت، صد ضربه شلاق زد و به عنوان قصاص وی را اعدام نمود و همسر مقتول را به عنوان حد شرعی به سنگسار نمودن محکوم نمود. حکم صادره در باره آنان به اجرا در آمد و آن شخص که دست های مقتول را گرفته بود به حبس ابد و دیگری که نگهبانی می کرد طبق متون فقهی به کور شدن چشم محکوم شد. ملاحظه می فرمائید که از یک خلوت با نامحرم و برخورد دست آنان به هم چه جنایات هولناکی پدید آمد و سر انجام برای لذت چند روزه به مجازات های (۱۳۶) شدید اسلامی گرفتار شدند. جلوگیری از لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر یکی از راه های پیشگیری از آلوده شدن به منجلا ب شهوت رانی اجتناب از هرگونه لمس اندام نامحرم و دست دادن به یکدیگر است که در حرمت آن هیچ گونه اختلافی بین علمای اسلام نیست. ابی بصیر عن ابی عبد الله (علیه السلام). قال قلت له هل یصافح الرجل المرثه لیست بذات محرم؟! فقال (علیه السلام): لا الا من وراء الثوب، ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرده اند که: آیا دست دادن مرد به زن نامحرم جایز است، فرمود جایز نیست مگر از روی لباس ("۱"). تردیدی نیست که در اثر لمس اندام نامحرم و اتحاد حرارت بدن مرد و زن بیگانه، زمینه برای روحیه شهوت رانی و روابط نامشروع فراهم می گردد برای اثبات این مدعا به یک نمونه دیگر که خود شاهد آن بوده ام می پردازم: از لمس اندام تا بزرگترین جنایت در سال ۱۳۶۸ شمسی در شهر قم جریان مردی را که سر او را بریده و اندامش را با ضربات کارد شکافته بودند به دادگستری کشیده شد. بعد از پیگیری و بازپرسی مشخص شد که قاتل از بستگان مقتول است

وجریان قتل به توطئه همسر مقتول که رابطه نامشروع با قاتل داشته عملی شده است. کیفیت قتل به اقرار همسر قاتل به این شکل بوده است: در یکی از شب های ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۱۵، ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۵۱، ح ۱. (۱۳۷) زمستان قاتل به منزل پسرعمه خودش که بعداً مقتول شده می رود. صاحب منزل مهمان را به زیر کرسی خود راهنمایی می کند. در اثنای شب نشینی پای مهمان به پای زن صاحب خانه اصابت کرده، از همان جا جرقه شهوت در دل هر دو شعله کشید و رفته رفته منجر به عشق مفرط و برقرار کردن رابطه نامشروع و انجام ده ها مرتبه عمل منافی عفت می گردد و چون زن شوهر خود را مزاحم آزادی خود می بیند دوستش را تحریک می کند که او را به قتل برساند. تا این که روزی او را با کارد مخصوصی در کمد منزل جای می دهد و وقتی که شوهرش می آید زود غذای او را می دهد و او را می خواباند که بعداً درب کمد را باز کند و با کمک وی شوهر را بکشد، برنامه مقدماتی انجام می شود شوهر ناگهان صدای سرفه از درون کمد اتاق پذیرایی به گوشش می رسد. درب کمد را باز می کند ناگهان مواجه با پسردهایی خود می شود، در اولین اقدامات دفاعی قاتل او را با ضربات کارد از پا در می آورد و بعد سر او را جدا می کند و با کمک همسر مقتول اندام خود را می شوید و با هم از منزل بیرون می روند و روز بعد هنگام صبح، زن مقتول وارد منزل می شود و فریاد و جنجال به پا می کند که: آه، دیشب در منزل نبودم دزد وارد خانه ما شده و مقصداری اموالمان را برده و شوهرم را کشته است لکن در جریانات بازپرسی حقیقت آن طور که گذشت روشن شد. سر انجام قاتل به صد ضربه شلاق و اعدام وزن به سنگسار شدن محکوم شد که حکم صادره در ملاء عام به اجرا در آمد. می بینید که یک بر خورد بدنی چه توفانی به پا می کند و انسان را در چه منجلابی قرار می دهد و او را از هر درنده ای قسی القلب تر می سازد و سر انجام به اشد مجازات گرفتار می سازد. از این نوع پرونده ها و جریانات هولناک که ابتدای آن از یک مزاح یا لبخند و یا بر خورد بدنی و یا خلوت شروع شده زیاد است. بزرگان (۱۳۸) خانواده باید مراقب نوامیس خود باشند، آداب اسلامی را در معاشرت ها رعایت نمایند، و از مجلس های مختلط و برخوردهای نامشروع اجتناب کنند، رعایت حجاب اسلامی نمایند، خانم ها از زینت برای غیر شوهر خودشان اجتناب کنند و امر به معروف و نهی از منکر را رعایت نمایند تا این که به این صحنه های خطرناک مبتلا نشوند. من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم * تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال البته مقصود این نیست که هر بر خورد جزئی دارای چنین نتایج رسوا کننده ای است و یا هر مجلس مختلط، خنده، مزاح، آرایش و امثال آن علت تامه برای این قبیل جنایات هولناک است بلکه مراد این است که این امور زمینه سازند و کافی است از هر هزار مورد یکی به این نتایج برسد. اجرای حدود و تعزیرات تردیدی نیست که اجرای حدود و تعزیرات اسلامی در جلوگیری از جرائم تأثیر به سزا دارد و افراد بوالهوس و جانی را از اقدام به گناه مخصوصاً در انتظار عمومی باز می دارد. از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که: "حد یقام للله فی الارض خیر من مطر اربعین صباحاً، یک حد الهی که در زمین برای خدا اجرا شود بر کاتش از باران چهل روز زیادتر است" (۱). زیرا در زمینه اجرای حدود و تعزیرات جامعه از امنیت اجتماعی برخوردار می شود و بدیهی است که نعمت امنیت سرآمد نعمت هاست. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، صفحه ۳۰۸. (۱۳۹) آمار جرائم در باره آمار جرائم سخن بسیار است، بعضی بی حساب قضاوت می کنند. این جانب که بیش از ده سال در دادگستری قم به شغل قضا اشتغال داشتم و بیش از هفت سال ریاست آن دادگستری را عهده دار بودم نسبت به حوزه قضائی خود بعد از محاسبه به این نتیجه رسیدم که: کلیه جرائمی که ریشه اقتصادی دارد - از جمله فحشا و منکرات - رو به افزایش است و مسلماً اگر حدود و تعزیرات اجرا نمی شد آمار جرائم به مراتب بیشتر از وضع فعلی بود. در عین حال انتظار این بود که با تعطیل مراکز فساد و فحشا و از طرفی با اجرای حدود و تعزیرات، آمار جرائم به طور چشم گیر پایین بیاید، مع الاسف این انتظار محقق نشد، قهراً جای این سؤال است که چرا از اجرای حدود و تعزیرات نتیجه مطلوب گرفته نشد؟ به نظر این جانب پاسخ این سؤال این است که احکام اسلام، مانند نسخه ای که طیب برای درمان یک بیماری از داروهای متعدد تنظیم می کند، به هم مربوط است، همان گونه که از ده قلم دارو برای علاج یک نوع بیماری اگر تنها یک قلم آن استفاده نشود نتیجه مطلوب گرفته نمی

گردد بلکه اگر تمام آنها در موعد مقرر مصرف نشود بیمار طبق انتظار معالجه نخواهد شد، احکام اسلام نیز به هم مربوط و وابسته است. اجرای حدود و تعزیرات همگام با امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد و موعظه، همراه با تعطیلی مراکز فساد و هم دوش با سنت ازدواج نتیجه مطلوب دارد، اگر بنا شد راه ازدواج به روی جوانان بسته شود و امر به معروف و نهی از منکر عملاً تعطیل گردد، به جای موعظه و ارشاد فیلم های مهیج و آهنگ های محرک جای گزین گردد انتظار تأثیر شایسته از اجرای حدود و تعزیرات نباید داشت. (۱۴۰) در کتاب "وسائل الشیعه" روایت شده که در زمان حکومت امیر المؤمنین (علیه السلام) جوان مجردی را به اتهام گناه استمناء دستگیر کرده، به محضر امام آوردند، پس از ثبوت جرم امام (علیه السلام) آن قدر به پشت دست های او زد که قرمز گردید و بعد از این تعزیر دستور داد از بودجه بیت المال برایش همسر بگیرند (۱). این برنامهء حکیمانه از پیشوای مؤمنان و رئیس سیاست مداران واقعی جهان به خوبی می رساند که تنها به زدن و بستن وحد و تعزیر نباید اکتفا کرد بلکه علاوه بر آن باید ریشهء جرم را پیدا و علاج اساسی نمود تا نتیجهء مطلوب گرفته شود. سرگرمی به آلات لهو یکی دیگر از عوامل شهوت انگیز، سرگرمی به آلات لهو و لعب از قبیل ساز، تار و سنتور است. چه به صورت انجام و استعمال و چه به صورت استماع و گوش دادن. فقهای امامیه به حرمت استعمال آلات لهو و استماع آهنگ آن اتفاق دارند و در نکوهش غناء (خوانندگی) و اشتغال به ملاحی (نوازندگی و موسیقی لهوی) در کتاب های وسایل الشیعه و مستدرک الوسایل حدود ۹۸ روایت وارد شده است که بعضی از آنها ذیلاً درج می گردد: ۱ - قال علی (علیه السلام): "لاتدخل الملكة بيتا فيه خمر اودف او طنبور او نرد ولا يستجاب دعائهم وترفع البركة عنهم (۲)، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: فرشتگان به خانه ای که در آن مسکرات و آلات موسیقی مانند دائره، طنبور، یا آلات قمار مانند نرد باشد داخل نمی شوند و دعای ۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵. ۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۳۵. (۱۴۱) اهل آن خانه مستجاب نمی شود و برکت از آنان برداشته می شود " ۲ - امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی - که امهات مسائل دینی را ذکر فرموده - در بیان آمار گناهان کبیره (که در آن حدیث ۳۲ گناه ذکر شده) فرموده اند: "والملاحی التي تصدعن ذکرا لله مکروهه کالغناء و ضرب الاوتار، یکی از گناهان کبیره و ناپسند سرگرمی هایی است که انسان را از یاد خدا غافل می کند، مانند غنا (خوانندگی) و نواختن تارها (نوازندگی و موسیقی لهوی) " (۱). ۳ - قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): "أنهاکم عن الزفن والمزمار وعن الکویات والکبرات (۲). پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: شما را نهی می کنم از رقص و نواختن مزمار (نای) و از بازی به " کویات " که به نرد و شطرنج، طبل کوچک و بربط معنی شده و از " کبرات " به طبل های بزرگ تعبیر گردیده است. " ۴ - عن الرضا (علیه السلام): استماع الاوتار من الکبائر (۳). ۵ - در وسائل الشیعه و مستدرک الوسایل روایات زیادی به این مضمون از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که: در هر خانه ای چهل روز آلات لهو نواخته شود آن چنان غیرت از اهل خانه سلب می شود که از هیچ ننگ و عاری پروا ندارند. یک داستان آموزنده در کتاب وافی از کتاب شریف کافی از "مسعد بن صدقه" روایت شده که: ۱. خصال، حدیث شرایع دین. ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۳. ۳. مستدرک، ج ۲، ص ۲۵۸. (۱۴۲) روزی نزد امام صادق (علیه السلام) بودم مردی به امام عرض کرد: همسایگان من کنیزان خواننده و نوازنده دارد، بعضی اوقات که برای بیت التخلیه می روم صدای ساز و آواز آنها را می شنوم و نشستن خود را برای شنیدن آن آهنگ ها طول می دهم. امام فرمود: این کار را نکن عرض کرد من به قصد شنیدن موسیقی آن جا نمی روم. این یک امر تصادفی و اتفاقی است. امام فرمود: خداوند می فرماید: "ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا، (۱) به تحقیق گوش و چشم و دل مورد سؤال واقع می شوند ". آن شخص عرض کرد گویا تا به حال به این آیه بر خورد نکرده ام، دیگر به این کار ادامه نمی دهم امام فرمود: برو غسل کن و هر قدر می توانی نماز بخوان، زیرا به گناه بزرگی آلوده گشتی، و چه بدحالی داشتی، اگر در آن حال مرگت فرا می رسید خدا را بر ترک این کار سپاس گزار و از او درخواست توبه و قبولی آن کن. خداوند کار زشت را ناپسند می دارد: "والقیح دعه لاهله فان لکل اهلا، کار زشت را به اهلش واگذار کن که برای هر کاری جوینده ای است (کنایه از این است که کار زشت شایسته شما نیست). از این روایت به

خوبی استفاده می شود که: ۱ - شنیدن ساز و آواز حرام و کاری زشت و ناپسند است برای شیعیان ائمه طاهرين مناسب نیست. ۲ - جاهل مقصر در ارتکاب گناه معذور نیست. ۳ - برای قبولی توبه مستحب است انسان غسل توبه کند. ۴ - بر ترک گناه شایسته است انسان خدا را سپاس گزاری کند. ۵ - انسان خوب نباید تن به کار قبیح بدهد. ۱. اسری، آیه ۳۶. (۱۴۳) ساختن و معامله آلات لهوی فقهای امامیه ساختن و خرید و فروش آلات لهو را حرام می دانند و به این مطلب مرحوم حضرت امام (رضوان الله علیه) در مسأله ۸ از مکاسب محرمة تحریر الوسيله تصریح فرموده است. تحریف حقائق از جمله کارهای شیطانی تحریف کلمات بزرگان است. از باب نمونه از حضرت امام سؤال شده است که: از آن جا که آلات لهو دارای استفاده های مشروع است خرید و فروش آن چگونه است؟. ایشان در جواب فرموده اند: خرید و فروش آلات مشترک به قصد نتایج حلال اشکالی ندارد. گروهی به بهانه این فتوا آلاتی که هیچ منفعت حلال ندارد به عنوان آلات موسیقی سنتی ساخته و به طور آشکار می نوازند. غناء (ترانه) یکی از عوامل شهوت انگیز و ضد عفاف اشتغال و استماع غنا است. و آن عبارت است از آهنگ لهوی که مناسب با مجالس عیاشی است. بدون شک، آهنگ مذکور نوع مردم را از حال طبیعی خارج و به مسیر شهوت رانی وارد می سازد. از این جهت اسلام حکم به حرمت آن نموده است و روایات بسیاری در نکوهش آن وارد شده است که به ذکر برخی می پردازم. در روایات بسیار آیه شریفه "واجتنبوا قول الزور" (۱) (پرهیز کنید از کلام باطل) ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۵. (۱۴۴) تطبیق بر غنا شده است. ۲ - قال النبی (صلی الله علیه وآله): "الغناء رقیه الزنا، (۱). غنا از عوامل آلوده شدن به عمل منافی عفت است. ۳ - عن الصادق (علیه السلام): "شر الاصواق الغناء، بدترین آهنگ ها غناست" (۲). ۴ - عن الصادق (علیه السلام): "بیت الغناء لاتومن فیہ الفجیعه ولا تجاب فیہ الدعاء ولا یدخله الملک (۳)، خانه ای که در آن غنا باشد از مصیبت در امان نیست و دعا در آن مستجاب نمی شود و فرشته واردش نمی گردد". کلمات فقها پیرامون غنا شیخ انصاری که از اکابر فقهای امامیه است، در کتاب "مکاسب" فرموده: اختلافی در حرمت غنا نیست و اخبار زیاد بر آن دلالت دارد و فخر المحققین در کتاب "ایضاح" ادعای تواتر اخبار دالیه بر حرمت آن را نموده است (۴). مرحوم آیه الله بروجردی در آخر کتاب توضیح المسائل می فرماید. آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازی گری است غنا و حرام است و اگر نوحه و یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است. رهبر کبیر انقلاب حضرت آیه الله (امام خمینی) در کتاب "تحریر الوسيله" می فرماید: انجام غنا و شنیدن و کسب کردن به آن حرام است و لو در قرآن و دعا و مرثیه باشد بلکه در قرآن و دعا عقوبت آن زیادتر می باشد (۵). ۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۷. ۲. همان، ص ۴۵۷. ۳. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۵. ۴. مکاسب محرمة ص ۳۶. ۵. تحریر الوسيله ج ۱ ص ۴۵۷. (۱۴۵) آهنگ های مشکوک خواندن آهنگ مشکوک و گوش دادن آن از نظر فقهی حرام نیست و لکن جای تردید نیست که اجتناب از شبهات امری پسندیده و مرغوب فیہ است، مع الاسف امروز به این جهت توجه نمی شود. همین که گفته شد فلان چیز حرام نیست مورد استقبال و ترغیب قرار می گیرد و حال آن که بسیاری از چیزهایی که حرام نیست مرجوح و اجتناب کردن از آن مطلوب است که یکی از آنها آهنگ های مشکوک است. در باره حسن احتیاط، روایات زیادی داریم، از آن جمله حدیث مشهوری است که شیعه و سنی آن را از پیغمبر روایت نموده اند و آن عبارت است از: قوله (صلی الله علیه وآله): "دع ما یریبک الی مالا یریبک، (۱) رها کن آنچه در آن شک داری و رو آور به آنچه در آن شک نداری". و دیگر روایتی است که حضرت امام رضا (علیه السلام) از آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل فرموده که به کمیل فرمودند: "اخوک دینک فاحتط لدینک بما شئت (۲)، دینت به منزله برادرت می باشد در باره دینت تا می توانی احتیاط کن". و دیگر حدیث مشهوری است پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمودند "حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات نجی من المحرمات و من اخذ بالشبهات وقع فی المحرمات و هلک من حیث لایعلم، (۳) ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۲ از ابواب صفات قاضی، ص ۱۲۷. ۲. همان ص ۱۲۳. ۳. همان، ص ۱۱۴. (۱۴۶) یعنی: حلالی است آشکار و حرامی است آشکار و اموری است شبهه ناک، پس هر کس شبهات را ترک کند از محرمات نجات می یابد و هر کس شبهات را مرتکب شود

ناخود آگاه مرتکب محرمات می شود و نابود می گردد. " با توجه به اخبار مذکور شایسته است انسان مسلمان از آهنگ های مشکوک اجتناب کند و بی پروا خود را در معرض مفاسد قهری ساز و آواز قرار ندهد. بعید نیست که مستجاب نشدن دعاها و برداشته شدن خیر و برکات که امروز گریبان گیر ما گردیده معلول این گونه کارها باشد. چند داستان در باره اثرات شوم موسیقی ۱ - یزید بن عبد الملک بن مروان جرجی زیدان می نویسد: یزید بن عبد الملک بن مروان که بعد از درگذشت عموی خود عمر بن عبد العزیز به خلافت رسید به یکی از کنیزان خود به نام " حبابه " آن چنان عشق می ورزید که تمام اوقات خود را با وی صرف عیاشی می نمود. برادرش به نام " مسیلمه " وی را آن قدر موعظه کرد تا از حبابه دست کشید و مدت چند روز ابدًا به سراغ او نرفت و سرگرم به اداره امور شد. روز جمعه فرا رسید خلیفه برای خواندن نماز جمعه با دار و دسته و در معیت درباریان از کاخ خود خارج شد، حبابه همراه چند کنیز با آلات موسیقی سر راه خلیفه ایستاد. وقتی موکب خلیفه نزدیک او رسید خود را ظاهر ساخت و چند شعر با آهنگ دلربا توأم با نواختن آلات موسیقی برای خلیفه خواند. وی از شنیدن آهنگ ساز و آواز حبابه از خود بی خود شد، در انتظار عموم به رقص در آمد و از رفتن به نماز جمعه منصرف (۱۴۷) شد و از میان راه دست حبابه را گرفت و به کاخ عیاشی مراجعت کرد (۱). ۲ - داستانی از ولید بن یزید بن عبد الملک بعد از یزید بن عبد الملک، فرزندش ولید به خلافت رسید. از کتاب " مروج الذهب " مسعودی نقل شده است که روزی ابن عایشه (یکی از خوانندگان معروف اموی) نزد ولید آمد و برای او چند شعر با آهنگ غنا و دلربا خواند. ولید به وجد آمد و او را وادار کرد دو مرتبه آن اشعار را با همان آهنگ تکرار کند، سر انجام آن چنان در روحیه ولید اثر گذاشت که از خود بی خود و مست و لا- یعقل گردید و چون دیوانگان از جا حرکت کرد و از سر تا سینه خواننده و از سینه تا اسافل اعضای او را بوسید و تمام لباس های خود را از تن در آورد و به او بخشید و خود لخت مادرزاد در انتظار عموم ایستاد تا برای او لباس آوردند (۲). ۳ - داستانی از هارون الرشید جرجی زیدان می نویسد: خواننده معروف دربار هارون الرشید بنام " اسماعیل بن صالح " زمانی نزد هارون حاضر گردید و با خواندن چند شعر آن چنان خلیفه را از خود بی خود نمود که فوراً فرمانروایی کشور مصر را به آن خواننده واگذار کرد و بدینسان سرنوشت یک کشور اسلامی را فدای دلباختگی و عیاشی خود نمود (۳). ۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه ص ۶۷. ۲. تتمه المنتهی ص ۹۱. ۳. جرجی زیدان، همان. (۱۴۸) کتاب نامه و تاریخ فوت مؤلفان به سال قمری (بخشی از منابع) قرآن کریم آلاء الرحمان، محمد جواد بلاغی (۱۳۵۳ ق)، چاپ: قم، مکتبه وجدانی، قم (بی تا). اثبات الهداه، محمد بن حسن حر عاملی (۱۱۰۴) مطبوعه علمیه قم ۷ جلدی (بی تا) احتجاج طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (قرن ششم) دار نعمان - نجف - ۱۳۸۶ ق. اختیار رجال کشی، محمد بن عمر بن عبد العزیز از اعلام قرن چهارم مؤسسه علمی کربلا (بی تا). ادوار فقه، استاد محمود شهابی (۱۴۰۶) سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ چهارم ۱۳۷۲ ق. اصل الاصول از نگارنده چاپ اول انتشارات اشراق وابسته به دانشگاه قم، ۱۳۷۶ ش. اصل الشیعه و اصولها علامه محمد حسین آل کاشف الغطا (۱۳۷۳) - قاهره چاپ دهم ۱۳۷۷. اصول الفقه، محمدرضا مظفر، (۱۳۸۴) دار نعمان نجف ۱۳۸۶ ق. اصول کافی محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹) مکتبه صدوق - تهران ۱۳۸۱ انتصار علی بن حسین سید مرتضی (۴۳۶) - مطبوعه حیدریه نجف ۱۳۹۱ ق. الامامة والسیاسة، عبد الله بن ابن قتیبه (۲۷۶) منشورات رضی قم ۱۳۸۸. انوار التنزیل، عبد الله بن عمر بیضاوی (۶۸۵) مطبوعه مروی ۱۳۸۸. (۱۴۹) بحار الانوار، علامه مجلسی محمد باقر (۱۱۱۱ یا ۱۱۱۰) مؤسسه وفا بیروت چاپ دوم ۱۴۰۳ ق. بدایه المجتهد، محمد بن احمد ابن رشد غرناطی (۵۹۵) دار الفکر (بی تا) البرهان، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷) چاپخانه آفتاب ۱۳۷۵ ق. البیان، آیت الله خوئی سید ابو القاسم (۱۴۱۳) مطبوعه آفتاب نجف تاریخ حصر اجتهاد، شیخ آقا بزرگ تهرانی محمد محسن (۱۲۸۹) مطبوعه قم ۱۴۰۱. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب معروف به ابن واضح (بعد از ۲۹۳) مطبوعه حیدریه نجف ۱۴۰۹. التبیان شیخ طوسی محمد بن حسن (۴۶۰) مطبوعه حیدریه نجف ۱۴۰۹ تحفه شاهیه، عبد الخالق قاضی زاده کرهرودی قرن یازدهم چاپخانه علمیه تحفه الاحباب، محدث قمی عباس (۱۳۵۹) دار کتب اسلامیة ۱۳۷۰ ق. تحریر الوسیله، آیت الله خمینی (۱۴۱۰) مؤسسه نشر اسلامی چاپ

ششم ۱۴۱۷ ق. تذکره الفقهاء، علامه حلی حسن بن یوسف (۷۲۶) مکتبه مرتضویه - تهران (بی تا) تقریرات، درس نکاح مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری (۱۳۵۵) به قلم مرحوم حاج شیخ محمود آشتیانی چاپخانه خراسان (بی تا) تفسیر نمونه، آیت الله مکارم (معاصر) دار کتب اسلامیہ چاپ بیست و هفتم ۱۳۷۰ ش. جامع الرواة، اردبیلی محمد بن علی (۱۱۰۱) شرکت چاپ رنگین ۱۳۳۱ ش جوامع الجامع، طبرسی ابو علی (۵۴۸) دانشگاه تهران ۱۴۰۹ ق. جامع البیان، محمد بن حریر طبری (۳۱۰) دار المعرفه ۱۴۰۹ جزء اعداء امام هادی در دار دنیا - فاضل محترم سید هاشم ناجی موسوی جزائری (معاصر) (۱۵۰) جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۶۶) دار کتب اسلامیہ چاپ دوم ۱۳۶۵ ش. حق الیقین، علامه مجلسی محمد باقر (۱۱۱۰) کتابفروشی علمی تهران ۱۳۳۴ ش. حقوق خانواده، استاد دکتر سید مصطفی محقق داماد نشر علوم اسلامی ۱۳۶۵ ش. حقوق مدنی، دکتر سید حسن امامی کتابفروشی اسلامیہ چاپ هشتم ۱۳۷۰ ش. خلاف، محمد بن حسن طوسی (۴۶۰) شرکت دار المعارف الاسلامیہ (بی تا) الدر المنثور جلال الدین سیوطی (۹۱۰) منشورات مکتبه آیت الله مرعشی قم ۱۴۰۴ ق. دلائل الصدق، محمد حسن مظفر (۱۳۷۵) دار العلم - قاهره ۱۳۹۶ ق. الذریعه الی تصانیف الشیعه، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی محمد محسن (۱۳۸۹) دار الاضواء چاپ سوم. الروضه البهیة، زین الدین بن علی شهید ثانی (۹۶۵) دو جلدی ۱۳۱۰ ق. روض الجنان فی تفسیر القرآن - ابو الفتوح رازی (قرن ششم) ۴ جلدی ۱۳۲۳ ق. ریحانه الادب، محمد علی مدرس تبریزی محمد علی (۱۳۷۲) کتابفروشی خیام چاپ سوم ۱۳۶۹ ش. زبده البیان، ملا احمد اردبیلی (۹۹۳) گنکره مقدس اردبیلی سفینه البحار، محدث قمی عباس (۱۳۵۹) چاپ اول ۲ جلدی مطبع علمیه نجف ۱۳۵۵ ق. سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث (۲۷۵) دار الکتب العربیہ - بیروت (بی تا) سنن نسائی احمد بن علی بن شعیب (۳۰۳) دار احیاء تراث عربی (بی تا) سیری در نهج البلاغه، مطهری مرتضی (۱۳۵۸) انتشارات صدرا - قم (بی تا) الشرایع جعفر بن حسن، محقق اول (۶۷۶) چاپ رحلی تبریز (تهران ۱۳۲۰ ق). شرح تبصره شعرانی، ابو الحسن معاصر انتشارات رضی قم (۱۵۱) شرح تجرید الاعتقاد، علی بن محمد قوشچی (۸۷۹) قطع رحلی. چاپ سال ۱۲۷۴ ق. شرح مواقف، میر سید شریف (۸۱۶) انتشارات رضی قم ۱۴۱۲ ق. شرح مقاصد، سعد الدین تفتازانی (۷۹۳) انتشارات رضی قم (۱۳۷۲) ش. شرح نهج البلاغه، عبد الحمید بن ابن ابی الحدید (۶۵۵) ۴ جلدی - (بی تا) بیروت. شیعه در اسلام، علامه محمد حسین طباطبایی (۱۴۰۲) دفتر انتشارات اسلامی (بی تا) صافی محمد بن مرتضی ملامحسن فیض (۱۰۹۱) قطع رحلی تهران ۱۳۳۴ ق. صحیح بخاری - محمد بن اسماعیل (۲۵۶) بحاشیه سندی دار المعرفه (بی تا). صحیح مسلم ابن حجاج قشیری (۲۶۱) با شرح نووی دار الکتب العربی ۱۴۰۷ ق. صیغ العقود، ملا علی قزوینی (۱۲۹۰) چاپ ۱۳۲۱ ق العروه الوثقی سید محمد کاظم طباطبایی (۱۳۳۷) دار الکتب الاسلامیه ۱۳۸۸ ق. غرر الحکم عبد الواحد آمدی قرن ششم مرکز نشر اعلام اسلامی - قم (بی تا) الغدیر، علامه عبد الحسین امینی، (۱۳۹۰) دار الکتب العربیة - بیروت چاپ دوم ۱۳۸۷ ق. غوالی اللثالی، ابن ابی جمهور احسائی (معاصر محقق کرکی) مطبعه سید الشهداء قم ۱۴۰۳. فرائد الاصول محقق انصاری مرتضی (۱۲۸۱) قطع رحلی یک جلدی الفصول المهمه، علامه شرف الدین، عبد الحسین (۱۳۷۳) مکتبه داوری - قم الفقه الاسلامی وادلته دکتر وهبه زحیلی (معاصر) دار الفکر، سال چاپ ۱۴۰۴ ق. الفقه علی المذاهب الاربعه، جزیری، عبد الرحمن معاصر دار الفکر (۱۴۰۶ ق). قانون مدنی ایران انتشارات دانشور، تهران (بی تا) کشف جارالله محمود بن عمر زمخشری (۵۲۸) ادب الحوزه (بی تا) کشف اسرار هزار ساله، آیت الله خمینی امام راحل (۱۴۱۰) (بی تا و بی تا) (۱۵۲) کشف الغطاء، شیخ جعفر (۱۲۲۷) قطع رحلی (بی تا). کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، (۶۹۳) مکتبه بنی هاشمی - تبریز ۱۳۸۱ ق. کشف المراد علامه حسن بن یوسف حلی، (۷۲۶) مؤسسه نشر اسلامی (بی تا) کنز العرفان، فاضل مقداد سیوری (۸۲۶) مکتبه مرتضویه - تهران (۱۳۴۳ ش). کنی والقاب، محدث قمی (۱۳۵۹) مطبعه عرفان - صیدا، ۱۳۵۷ ق. متعه و آثار حقوقی واجتماعی آن، دکتر محسن شفائی، معاصر، چاپ پنجم (بی تا) المتعه و آثارها فی الاصلاح الاجتماعی، توفیق فکیکی معاصر، دار الاضواء (چاپ پنجم ۱۴۱۸ ق). مفاتیح الغیب، (تفسیر کبیر) رازی فخر الدین رازی (۶۰۶) قاهره محمد عبد الرحمن (بی تا). مجمع البیان، طبرسی ابو علی، فضل بن حسن (۵۴۸) مکتبه

علمیه اسلامیہ - تهران (بی تا) مجمع الفائدة والبرهان، اردبیلی ملا احمد (۹۹۳) منشورات جامعہ مدرسین قم (بی تا) مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، (۱۰۸۵) چاپ رحلی (بی تا) مستمسک العروۃ، آیت الله سید محسن حکیم (۱۳۹۰) مطبعہ نعمان نجف ۱۳۸۹ ق. مستمسک العروۃ، آیت الله سید محسن حکیم (۱۳۹۰) مطبعہ نعمان نجف ۱۳۸۹ ق. مستدرک الوسائل، طبرسی، علامہ نوری حسین (۱۳۲۰) دار الکتب الاسلامیہ ۱۳۸۲ ق. مصباح الاصول، تقریرات درس آیت الله خوئی، سید ابو القاسم (۱۴۱۳) مطبذ نجف ۱۳۷۷ ق. مغنی ابن قدامہ (۶۳۰) دار الکتب العربی (بی تا) من لایحضرہ الفقیہ، شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویہ، ۳۸۱، دار الکتب الاسلامیہ - تهران ۱۴۱۰ ق. (۱۵۳) منتهی الامال، محدث قمی (۱۳۵۹) انتشارات جاویدان ۱۳۸۹ ق. مقدمہ النقض، محدث ارموی (قرن حاضر) چاپ اول ۱۳۷۱ (بی تا) نظام حقوقی زن در اسلام آیت الله مرتضی مطهری، (۱۳۵۸ ش) انتشارات صدرا - قم چاپ هشتم ۱۳۵۷ ش. نهج البلاغہ، محمد بن حسین سید رضی، (۴۰۶) با شرح عبده (بی تا) دار المعرفہ، بیروت. نهج الحق، علامہ حلّی، حسن بن یوسف (۷۲۶) مؤسسہ دار الهجرة چاپ سوم ۱۴۱۱ ق. نہایۃ الاحکام، علامہ حلّی، حسن بن یوسف (۷۲۶) مؤسسہ اسماعیلیان، قم ۱۴۱۰ ق. نسیم ولایت از نگارنده چاپ یاران قم (بی تا) چاپ سوم ۱۳۷۷ ش. النقض عبد الجلیل رازی از علمای قرن ششم چاپ اول ۱۳۷۱ ق وافی محمد بن مرتضی، فیض کاشانی (۱۰۹۱) مکتبہ الاسلامیہ ۱۳۷۵ ش. وسائل الشیعہ محمد بن حسن حر عاملی (۱۱۰۴) مکتبہ اسلامیہ تهران چاپ دوم (بی تا) ۱۳۸۳ ہدیۃ الاحباب، محدث خیر حاج شیخ عباس قمی، کتابخانہ صدوق تهران چاپ اول ۱۳۶۲ ش. مستمسک العروۃ، آیت الله سید محسن حکیم (۱۳۹۰) مطبعہ نعمان نجف ۱۳۸۹ ق. مستدرک الوسائل، طبرسی، علامہ نوری حسین (۱۳۲۰) دار الکتب الاسلامیہ ۱۳۸۲ ق. مصباح الاصول، تقریرات درس آیت الله خوئی، سید ابو القاسم (۱۴۱۳) مطبذ نجف ۱۳۷۷ ق. مغنی ابن قدامہ (۶۳۰) دار الکتب العربی (بی تا) من لایحضرہ الفقیہ، شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویہ، ۳۸۱، دار الکتب الاسلامیہ - تهران ۱۴۱۰ ق. مکتبہ یعسوب الدین علیہ السلام الالکترونیۃ